

گزیده‌هایی از ترانه‌های روستایی فارسی

با ترجمه منظوم به ترکی آذری



به کوشش م.ع. فرزانه

ای فلک، در غم تو پیر شوم، عیب مکن!
آب چشمم رود و کور شوم، عیب مکن!
آب چشمم رود و بسادیه دریا گردد،
من به دریا روم و غرق شوم، عیب مکن!

*

سنین او غزوندا فلک، من قوجالیرسام، قیناما!
گوزومون سویو آخیب، گوزدن اولورسام، قیناما!
گوزومون سویو آخار، چؤللر دریایه دؤنر،
من بو دریایه گئدرسم، بوغولورسام قیناما!

از رباعیات خلعتی تاجیکی



ماده مستقر به کتابخانه

گزیده‌هایی از ترانه‌های روستایی فارسی

گزیده‌هایی از ترانه‌های روستایی فارسی

(با ترجمه منظوم به ترکی آذری)

به کوشش م. ع. فرزانه .

گزیده‌هایی از ترانه‌های روستائی فارسی

به کوشش: محمد علی فرزانه

لیتوگرافی: امیر

چاپ: دیبا

حروفچینی: منظومه

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۶۹

نشر منظومه / خیابان انقلاب / فروردین / پلاک ۲۱ / تلفن ۶۴۰۲۵۷۱

سخنی چند

گزیده‌ی ترانه‌های روستایی فارسی، همراه با ترجمه منظوم به ترکی آذری، که از نظر علاقمندان و مشتاقان این سروده‌های نغز و موزون خلقی می‌گذرد، بیش از آنکه بتواند نشانگر روایت مترجم در ترجمه این ترانه‌ها به زبان ترکی آذری به حساب آید، می‌تواند بیانگر انس و الفتی باشد که نگارنده از دیر باز، به مانند دیگر شیفتگان فرهنگ و ادب عامه، با این دست آوردهای بدیع ذوق و احساس داشته‌ام.

اشتغال مستمر به امر گردآوری نمونه‌های ادبیات خلقی آذربایجان و از آن میان «بایاتیها» و مقایسه و تطبیق گاه و بیگاه آنها با موارد

همگون در ادب عامه فارسی و از آن میان ترانه های روستایی، یکی از سرگرمیهای ساعات فراغت و در عین حال مستمسکی برای زدودن ملال خاطر و پناه جستن به نوعی حسب حال در جوار این ریاحین عطر آگین بوده است.

گزیده ی ترانه های روستایی، با ترجمه ترکی آذری، یکی از ره آوردهای ناچیز این سیر و گشت در گلزار ترانه هاست. مسلماً ترجمه کلام منظوم از زبانی به زبان دیگر کاری است نه چندان آسان. این کار از آن جهت آسان نیست که کلام، منظوم و به خصوص کلام منظوم خلقی، در هر زبان از نظر محتوا و بافت از یک رشته نازک خیالیه‌ها، ریزه کاریها و گوشه پردازیهای فکری و بدیعی برخوردار است که چه بسا جابجایی آنها در زبانی به غیر از زبان اصلی به سهولت میسر نباشد. با وجود این، این ترجمه ها به همین صورت که هست تقدیم شیفتگان این گل‌های صحرایی خوش رنگ و نگار می گردد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

م. ع. فرزانه

منابعی که در گزینش متن ترانه های موجود در این دفتر مورد استفاده بوده است:

- ۱- هفتصد ترانه از ترانه های روستائی ایران. گردآورنده ح. کوهی کرمانی، تهران - ۱۳۱۷ خورشیدی.
- ۲- یکهزار و چهارصد ترانه محلی. گردآورنده صادق همایونی، کانون تربیت، شیراز - ۱۳۴۸.
- ۳- ترانه های روستائی خراسان - ابراهیم شکورزاده. انتشارات

سخنی چند / ۵

گوتنبرگ، تهران- ۱۳۳۸.

۴- ترانه های سمرقند (جلد دوم)، دوشنبه (تاجیکستان)

نشریات دانش- ۱۹۶۶

۵- فولکلور دری زبانان افغانستان، دوشنبه، نشریات دانش -

۱۹۷۴

۶- رباعیهای خلقی تاجیک، دوشنبه، نشریات دانش- ۱۹۷۷.

رباعی گونه ها

افسوس جدا گشت، جدا گشت، جدا،
رحمی بکن ای یار و به پیشم تو بیا.
محتاج بر آن لعل شکرخواه توام،
یادم بنما گهی، تو از بهر خدا.

دو پنج روزه که یارم نیست پیدا،
مگر آهو شده، رفته به صحرا.
بگشتم کوه و صحرا، او ندیدم،
یقین ماهی شده، رفته به دریا.

مه قربانت شوم، پرورد گارا،
به ما لایق ندادی یار ما را.
به آدما تو دادی بخت و اقبال،
به ما دادی دو چشم اشکبارا.

رباعى ساياقلار

افسوس كى، آيريليدى، آيريليدى مندن،
منه رحم ائيله يار، گل بيزه هردن.
سنيين او لعليندن من پاى اومارام،
آللاه خاطرينه، قيزيرقانما، سن.

ننچه گوندور نگاريم گوزدن ايتميش،
يوخسا آهو اولوب، چؤلله قاجميش.
بوتون داغى - داشى گزديم، دولانديم،
يقين باليق اولوب، دريايا دوشموش.

يارادانيم، سنه قربان اولوم من،
منه يارار دلبر يئتيرمه دين سن،
آداملارا باغيشلا دين بخت - اقبال،
من يارانديم ايكي گوزدن ياش تۇكن.

نگارینا، نگارینا، نگارا،
شکستی شیشه عهد و وفا را.
که من از کودکی دل بر تو بستم،
نتوانستی نگهداری تو ما را!

نگارا و نگارا و نگارا،
به مُحنت دیگری، مگذار ما را.
به مُحنت دیگری من خوار و زارم،
که آخر می کشه عشق تو ما را.

غریبی می روم، بنگر هوا را،
به امید کسی مگذار ما را.
به امید تو با کس دل نبندم،
به بالا سر خدا، پایین شما را.

فریاد کنم، پاره کنم کوه را،
شاهین شوم، سیر کنم صحرا را.
من جغد شوم، به حال خود گریه کنم،
این بار کلان و کلفت دنیا را.

نگاریم، آی نگاریم، آی نگاریم،
آی عهد - پیماننا وفاسیز یاریم.
اوشاقلیقدا سنه بئى باغلادیم من،
ساخلایا بیلمه دین سن منى ظالیم!

نگاریم، آی نگاریم، آی نگاریم،
گل منى محنته سن سالما، یاریم.
آیری محنتله من جاندا اوساننام،
بیل کی، سنین عشقین محو اندرجانیم.

غریته گندیرم، هاوا یا باخ سن،
قویما، اوزگه سینه بئى باغلاییم من.
سنین امیدینله گونول وئرمه رم،
یوخاریدا آلا، آشاغیدا سن.

باغیرارام، من داغلاری سؤکه رم.
شاهین اولوب من چؤلرردن کؤچه رم.
بايقوش اولوب اوز حالیم آغلارام،
دنیا محنتیندن من بئزیکه رم.

به ما عمو، ندادی دختری را،
به گوش کردی سخنهاى زنت را.
سر پل صراط و روز محشر،
بگیره آه سردم دومت را.

من بلبل مستم و چمن نیست مرا،
من مرد مسافرُم، وطن نیست مرا.
این عمر عزیز بی وطن می گذرد،
کردم سفر دور، آمدن نیست مرا.

در خرمن دشت دانه ای نیست مرا،
اومد اجل و بهانه ای نیست مرا.
اومد اجل و سرم به بالین افتاد،
صد وای و دریغ، نشانه ای نیست مرا.

پیشون کرده زلفان سیه را،
چو ابر نیمه شو بگرفته مه را،
زنازو غمزه یار پیشون،
ملک در آسمون گم کرده ره را.

عمی، سن قیزی وئرمه دین منه،
قولاق آس دین آروادینین سؤزونه.
صراط گۆرپوسونده، محشر گونونده،
سویوق آهیم سواشسین اتگینه.

من سرخوش بولیولم، چمنیم یوخدور،
من یوللار یورغونو، وطنیم یوخدور.
عزیز عۆمروم غربتلرده چورودو،
اوزاغا دوشموشم، یئته نیم یوخدور.

چۆلده کی خرمنده بیرجه دانام یوخ،
اجل گلیب چاتدی، بیر باهانام یوخ.
اجل گلیب چاتدی، یاتاغا دوشدوم،
یوز وای هارای اولسون، بیر نشانام یوخ.

داغیدیپ اوزونه قارا ساچلاری،
گنجه بولودو تک بورویوب آیی.
حالی پوزغون یارین عشوه - نازیندان،
ملک چاش - باش سالیب گۆیده یوللاری.

رخت ماه و رخت ماه و رخت ما،
سفیدی صورتت مثل سحرگا.
اگر روزی دو صد بارت بینم،
بریزه اشک چشمم مثل دریا.

بیابونم، خدایا، راه بنما،
شبم تاره، خدایا، راه بنما.
قسم بر یوسف و عشق زلیخا،
دلِ ناشاد ما را شاد بنما.

چه بد کردم، سفر کردم، خدایا،
سر از هامون بدر کردم، خدایا.
خودم اینجا، ولِ اوجا، دلبر اونجا،
عجب خاکی به سر کردم خدایا!

نگاری در سفر دارم، خدایا،
دو چشمون پشت در دارم، خدایا.
دو چشمون شد سفید و ولِ نیومد،
نه قاصد، نه خبر دارم، خدایا.

اوزون آيدير، اوزون آيدير، اوزون آى،
اوزونون آغلىغى لاپ سحره تاي.
اگر هرگون ايكي يوز يول گورمه سم،
گوزومون ياشى دريادان اومار پاي.

آلاھيم، بو چۇلدە يول گۇستىر مەنە،
قارانلىق گىجەدە اول رەبىر مەنە.
يوسف - زليخانين عشقى خاطرە،
غەملى اورە گىمى سئويندیر يەنە.

پىس ايش گۇردوم، يولا چىخدىم، آلاھيم،
من هاموندان اوزاقلاشدیم، آلاھيم.
اۋزوم بوردا، يار اوردا، دلبر اوردا،
نە كول اۋز باشىما تۇكدوم، آلاھيم!

بىرايىستكلىم سفرده وار، آلاھيم،
ايكي گوزوم يولا باخار، آلاھيم.
ايكي گوزوم يورلدو، يار گلەدى،
نە بىر گلەن، نە خبر وار، آلاھيم.

عزیزی در سفر دارم، خدایا،
چقد مهرش به سر دارم، خدایا.
همه میگن عزیز تو می یایه،
می یایه، کی می یایه، کی، خدایا!؟

به بادامو گذارم شد، خدایا،
دو تا دختر دُچارم شد، خدایا،
نیت کردم که پیشی را بگیرم،
که دُمبالی سوارم شد، خدایا.

ستاره در هوا می بینم امشب،
زمین در زیر پا می بینم امشب.
خدایا، مرگ ده، تا جون سپارم،
که یار از خود جدا می بینم امشب.

سیا چشمی که چشمک بر من انداخت،
مرا از کوچکی توی غم انداخت.
که بودم کودک نادون نادون،
چنین آتش که بر جون من انداخت.

یول اوسته بیر ایستکلیم وار، ایلاهی،
سئوگیسی قلبیمده جوشار، ایلاهی.
هامی دئییر او ایستکلین گله جک،
هانى، هاچان گلیب چینار، ایلاهی؟!

بادامودان گنچر اولدوم، آلاهی،
ایکی قیزا دچار اولدوم، آلاهی.
قصد ائيله دیم قاباقدا کینی آلیم،
دالدا کین بوینو مدا گوردوم، آلاهی.

اولدوزو هاوادا سئچدیم، بو گنجه،
یئری آیاغیملا اؤلچدوم، بو گنجه.
ایلاهی، جانیمی آل، منی قورتار،
یاریمدان من اوزاق دوشدوم، بو گنجه.

بیر قارا گوز یاندان منه گوز ائله ر،
کیچیک یاشدان اوره گیمه غم چیلهر.
اوشاق ایکن هئچ بیر شئی قانمازایدیم،
او، بو اودو منیم جانیمالهر.

سیه چشمم، به چشمون خمارت،
به مژگان بلند سایه دارت.
به اون بوسا که دادی یاد گاری،
فراموشم نگشته یاد گارت.

امروز هوا به رنگ مژگان من است،
هر جا که روی، داغ تو در جان من است.
هر جا که روی، آب روان پیش آید،
این آب روان دو چشم گریان من است.

عرق گرد لب شبنم گرفتست،
دل سنگین ما را غم گرفتست.
دلم می خواست تا پشت بیایم،
سر راه مرا دشمن گرفتست.

دو چشم شوخ دلبر داری، ای دوست،
دولب شیرین چو شکر داری، ای دوست.
گاهی می خوانی و گه می نوازی،
نمی دانم چی در سر داری، ای دوست.

قارا گۈزلۈم، سنین خومار گۈزلىرىن،
كۈلگە سالان او اوزون كيرپىكلرىن،
يادگار وئردىگىن او اۋپوشلىرىن،
هله يادىمدادير، يوخدور خبرىن.

بوگون هاوا منىم قاشىم رنگدهدير،
هارا گىتسەن، داغىن بو بدەندەدير.
هارا گىتسەن، آخار سويلا توش اولسان،
او سويون چشمەسى گۈزلىرىمدەدير.

تەردن دوداغىنى شېنەم بوروموش،
منىم آغىر گۈيلۈمو غەم بوروموش.
اورەگىم ايستەيىر يانينا گلىم،
بولومون اوستونو دشمن بوروموش.

ايكى جاذبەلى گۈزون وار، يارىم،
ايكى دوداغىندان بال دامار، يارىم.
گاھدان اوخويورسان، گاھدان چاليرسان،
بىلمىرم خيالىن نە آرار، يارىم.

بگردم دور دنیا، ولِ خبر نیست،
بریزم اشک خونی، ولِ خبر نیست.
بریزم اشک خونی همچو بارون،
غمی از دوریِ دلبر بتر نیست.

نگارا، بی وفایی از تو شک نیست،
سگو را یک وفا هست، از تو یک نیست.
سگو حق نمک را می شناسه،
مگر در دست من حق نمک نیست؟

قدت از دور می بینم، بسم نیست،
به جایی رفته ای که دَرسَم نیست.
به جایی رفته ای در سر بلندی،
سخن دارم، مجال گفتنم نیست.

بلندی وُلَم سرو یمن نیست،
قشنگی وُلَم گل در چمن نیست.
خبر اومد چمن آتش گرفته،
چمن می سوزه و ما را خبر نیست.

دنیانی گزیرسم، دلبر تاپیلماز،
قانلی یاش تۆکورسم، دلبر تاپیلماز.
قانلی یاش تۆکورم گۆزدن یاغیش تک،
یارین اوزاقلیغیندان پیس غم اولماز.

نگاریم، بی وفاسان، بوندا شک یوخ،
ایتده یوز وفا وار، سنده بیر تک یوخ.
ایت دوز - چۆرک حقین یاخشی تانییار،
یوخسا بوالیمده حق نمک یوخ؟!.

بویون گئندن گۆرمک منه یاپیشمیر،
بیر یثره گئتمیسه ن الیم چاتیشمیر.
بیر یثره گئتمیسه ن او اوجالاردا،
سۆزوم وار، حیف کی مجال اؤتوشمور.

یاریم بویدا سرو یمنده یوخدور،
یاریم تک گۆزل گول چمنده یوخدور.
خبر گلدی چمن آلیشیب یانیر،
چمن یانیر، خبر وئرنده یوخدور.

جوونی هم بهاری بود و بگذشت،
به ما یک اعتباری بود و بگذشت.
میون ما و تو یک الفتی بود،
که آن هم نوبهاری بود و بگذشت.

قد سلب عروس وارت مرا کشت،
میان کوچه رفتارت مرا کشت.
چنو که می روی در کوچه بالا،
صدای نعل کوشایت مرا کشت.

درازای دو زلفونیت مرا کشت،
سیاهی دو چشمانیت مرا کشت.
همی وعده دهی امروز و فردا،
همی امروز و فردایت مرا کشت.

زنم چهچه، بگردم دور باغیت،
زنم زانو، نشینم در اتاقیت.
زنم زانو به زانوی بزرگون،
بیوسم حلقه کنج دماغیت.

جاوانلىق بىر باھار تىك گىلدى، گىچىدى،
بىزى بىر سىنايار تىك گىلدى، گىچىدى.
بىز ايله سىز آرا الفت وارايدى،
او دا بىر نوبھار تىك گىلدى، گىچىدى.

سنىن سىرو دورشون اۆلدوردو منى،
كوچه آرا يوروشون اۆلدوردو منى.
ائىله كى گىلدىرسن كوچه يوخارى،
اونازلى يىرىشون اۆلدوردو منى.

ايكى اوزون ساچىن منى اۆلدورەر،
قارا گۆزون - قاشىن منى اۆلدورەر.
ھى بو گون صاباھا وعدە وئىرىسن،
بو، بو گون صاباھىن منى اۆلدورەر.

چھچھ ووروب دولانارام باغىندا،
دىزە چۆكوب اوتوررام اوتاغىندا.
دىز بە دىز اوتورروب بۆيوكلر ايله،
اۆپەرم حلقەنى بورنون تاغىندا.

گلی از باغ بالا وا شد و رفت،
یکی همدرد ما پیدا شد و رفت.
یکی همدرد ما این باغبان بود،
گل گمشده‌ای بر پا شد و رفت،

وَلَمْ نَالُونَ وَ نَالُونَ اومد و رفت،
وَلَمْ تَا دَرِب دَالُونَ آمد و رفت.
نیت داشتم به خوشحالیش به بینم،
وَلَمْ بَا چَشم گریون اومد و رفت.

به قربون گلوی پر یراقِت،
بیا بنشین، که مردم از فراقِت.
اگر روزی تو را صد بار بینم،
ز مرغای هوا گیرم سراغِت.

سلام کِردی، به قربون سلامت،
میان هر دولب بوسم لبانت.
به چرده سالگی دل در تو بستم،
به پنزده سالگی گشتم غلامت.

یوخاری باغدا گول آچیلدی، گئتدی،
منه درد اورتاغی تاپیلدی، گئتدی.
منه درد اورتاغی بیر باغبان ایدی،
ایتگین گول تازادان ساچیلدی، گئتدی.

نازلیم آغلار گلدی، آغلار دا گئتدی،
دالان قاپیسیندان آغلار قاییتدی.
ایسته میشدیم اونو سئوینجک گوروم،
نازلیم آغلار گوز ایله گوزدن ایتدی.

یاراقلی بوینانا قربان اولارام،
فراقیندا اود توتوب اودلانا رام.
اگر سنی گونده یوزیول گورمه سم،
هاوا قوشلاریندان سنی سورا رام.

سلام وئردین، سلامی نین فداسی،
ایکی دوداغیندان اؤپوش آلاسی.
اون دؤرد یاشیندا یدیم سنه وورولدوم،
اون بشیمده سنه قربان اولاسی.

نگارا، می روی، باشی سلامت،
به گردن می زنی طوق ملامت.
همه خیشون و نزدیکون بدوند،
که من یار تو هستم، تا قیامت.

بده بوسی که من گردُم غلامت،
بکش صیاد، مرغ آمد به دامت.
کدوم مرغه که از دامت گریزه،
خدا شیرین کند تلخی کامت.

به قریون انار نو نشوینت،
رخی بنما، که مردم از غمونیت.
رخی بنما، که عاشق شاد گردد،
سرو مالی که دارم روگشونیت.

به قریون دو زلف چین و چینیت،
اگر کافر شوی، آیُم به دینیت.
اگر لاله شوی، صحرا برویی،
شوم آب و بیایُم بر زمینیت.

سنو گیلیم، گندیرسن، گئت، بساغ - سلامت،
بویونا دوشه جک طوق ملامت.
بوتون قوهوم - تانیش بونو بیلسینلر،
سنه وفادارام، الی قیامت.

بیر اؤپوش وئر، دؤنوب اولوم غلامین،
اووچو اولوب یولوم اوسته قور دامین.
هانکی قوشدور قاچا بیله توروندان،
آللاه شیرین قیلسین او آجی کامین.

قربان اولوم، باش قالدیرمیش نارینا،
اوزون گؤستر، غمه دالمیش یارینا.
اوزون گؤستر، عاشقینی شاد ائیله،
جانیم، مالیم فدا گول جمالینا.

ایکی قیوریم تئلین قربانی اوللام،
اگر کافر اولسان، دینیه گللم.
اگر لاله اولوب چؤلده گؤیرسن،
سو اولارام، تور پاغینی سوواررام.

نگار نازنین، راهم به راهت،
بریز چینه، که مرغ آمد به دامت.
همه مرغان ز دامت می گریزند،
من مسکین گرفتارم به دامت.

خودت ماهی، قسم بر روی ماهت،
که من میرم، به دل می مونه داغت.
که من میرم، بیایم یا نیایم،
ز مرغون هوا گیرم سراغت.

الا دختر، به قربون صدایت،
که مو عاشق شدم بر چار جایت.
دو چشمان سیاه و زلفکانت،
سر دست سفید و ساق پایت.

الا دختر، به قربان وفایت،
به قربان کمر بند طلایت.
اگر دامنم که حرفت حرف باشه،
نشینم تا قیامت در سراغت.

نازلی یاریم، یولوم دوشدو یولونا،
دانه سپ کی، قوش گلییدی توروئا.
هامی قوشلار سنین توروئدان قاچیر،
من زواللی ایلشیمیشه م توروئا.

اؤزون آيسان، آی اوزونه آند اولسون،
من گندیرم، داغین قلییمده قالسین.
من گندیرم، گله بیلسم، گلمه سم،
هاوا قوشلاریندان سراغین گلسین.

آی قیز، سنین سسینه نه من قوربانام،
دؤرت یئرینه وورولموشام، حیرانام.
ایکی قارا گؤزون، بیرده تئللرین،
آغجا بالدییرلارین، بیرده اللرین.

آی قیز، قربان اولوم سنین وفانا،
قیزیل کمرینده جوشان صفانا.
اگر بیلسم دئدیکلرین دوغرو دور،
حشره قدر قاتلاشارام جفانا.

ول جونیم، دلم کرده هوایت،
کجا جویم، کجا جویم، کجایت.
سر راهت بشینم تا زشیراز،
رسونه باد بر گوشم صدایت.

مه قربون سفید گلچه رویت،
رفیق جان، زنده ام با گفتگویت.
اگه صد یار جانی داشته باشم،
برابر کی کنم با تار مویت.

هلال آسمون مشعل گشت باد،
بلا دور از جمال مهوشیت باد.
تموم مال و اموالی که دارم،
به قربان دو چشمون خوشیت باد.

دو چشمونم به چشمون ول افتاد،
چو مهتابی که بر شاخ گل افتاد.
شترداران، شتر لنگر بگیرین،
که راهم دور و کارم مشکل افتاد.

جانیم دلبر، گزیلوم سنی دیله‌شین،
ایتگین لیگین جانیمما غم چیله‌سین.
یولون اوسته اوتورارام، شیرازدان،
یئل سسینی قولاغیمما پوله‌سین.

من قربانام، سنین او آغ اوزونه،
ایستکلیم، دیریهم شیرین سؤزونه.
اگر یوز دانا دا جانانیم اولسا،
هاچان دگیشه‌رم بیر تک توکونه.

گژیون آی پاراسی چراغین اولسون،
بلا لاردان ایراق جمالین اولسون.
بوتون بو گۆردون گون مال- منالیم،
گۆزلرین اوغروندا حلالین اولسون.

ایکی گۆزوم یارین گۆزونه دوشدو،
آی ایشیغی او گول اوزونه دوشدو.
دوه‌چیلر، دوه‌لری قالدیرین،
ایشیم چتین، یولوم اوزونا دوشدو.

به کوهای وطن چشموُنم افتاد،
دوباره آتشی بر جوُنم افتاد.
فراق دوریت دارُم به سینه،
یکایک رخنه بر دندوُنم افتاد.

سر کوی بلند صد دادویداد،
صدا برهم زنم، شیرین و فرهاد.
صدا برهم زنم، هوهو بگویم،
زدست عاشقی صد داد ویداد.

عجب رسمی است، رسم آدمیزاد،
که دور افتاده را کی می کند یاد.
که دور افتاده حکم مرده داره،
که خاک مرده را کی می برد باد؟!

سر کوها نشینم، همچو فرهاد،
بسازم شانیهی از چوب شمشاد.
بسازم شانیهی پشت فرستم،
کشی بر زلفات وموره کنی یاد.

وطن داغلارینا گۆزوم ساتاشدی،
بیر داها اود توتوب جانیم آلیشدی.
هجران اوزاقلیغی سینمه دولموش،
گۆر نجه دیشلریم چورودو، دوشدی.

اوجا داغ باشیندا یوز ناله، فریاد،
اوجادان سسلهرم، آی شیرین - فرهاد.
اوجادان سسلهرم، های- های اندهرم،
عاشقلیک اوجوندان یوز داد - بیداد.

عجب قورغودادیر بو آدمیزاد،
اوزاق دوشموشدن هنجوقت ائيله مز یاد.
اوزاق دوشموش یورددان کؤچموش کیمیدیر،
اؤلونون تورپاغین کیم ائيله بیر یاد؟!.

داغلاردا اوتورام، ائله بیل فرهاد،
داراق قاییرارام، آغاجی شمشاد.
داراغی قاییریب، گۆنده ررم سنه،
تئلرین داراییب، ائيله منی یاد.

گل سرخُم، چرا رنگت شده زرد،
مگر باد خزون بر تو گذر کرد؟
برو، باد خزون، هرگز نیایی،
که رنگ گل‌لذارم کرده‌ای زرد.

دو چشمون سیاهت کافرَم کرد،
مسلمون بودم و از دین درم کرد.
دو چشمونی که داری کس نداره،
به غیر از آسمون پر ستاره.

هنو من بچه بودم، مادرَم مُرد،
مرا دادن به دایه، دایه‌ام مُرد.
شدم آموخته با بزغاله بز،
که از اقبال من بزغاله‌ام مرد.

که یارم از دریچه سر در آورد،
دریچه بوی مشک و عنبر آورد.
می‌خواستم یک سخن با او بگویم،
دریچه بی‌وفا سر برهم آورد.

قیزیل گولوم، رنگین نچون سارالیب،
خزان یئلی یوخسا سندن باج آلیب؟
خزان یئلی، گئت، بیر داها قاییتما،
گول اوزلومون رنگی سندن سوزالیب.

ایکی قارا گوزون دینیمی آلدی،
منی دین - ایماندان آواراسالدی.
ایکی سنده کی گوز اوزگه سینده یوخ،
یالنیز اولدوز دولو گؤیلرده واردی.

هله من خیرداجایدیم، آنام اؤلدو،
دایایا وئردیلرسه، دایام اؤلدو.
گنچی بالاسینا وره‌وو اولونجا،
منیم طالعیمدن گنچی بالام اؤلدو.

یاریم دریچه‌دن با شین چیخارتدی،
دریچه‌دن مشک - عنبر بوی آتدی.
ایسته‌دیم بیر کلمه اونلا دانیشیم،
وفاسیز یئل دریچه‌نی قاپاتدی.

یاد تو کنم سر زبائِم سوزد،
ترک تو کنم تمام جائِم سوزد.
رازی است که پیش هر کسی نتوان گفت،
دردی است که مغز استخوانم سوزد.

از آستینت چمن - چمن گل ریزد،
از کاکل تو دسته سنبِل ریزد.
هر بار اگر به یاد تو ناله کنم،
بر شاخه گل هزار بلبل ریزد.

دلی دارم، که از سلطان نترسد،
چو مرد، از کنده و زندان نترسد.
دل عاشق مثال گرگ گشنه س،
که گرگ از هیبت چوپان نترسد.

بیچاره کسی که بی برادر باشد،
در روی زمین چو مرغ بی پر باشد.
دومن پر زر کنیم و دادر بخریم،
این دادر زر خرید چی دادر باشد؟

سنی یاد ائیلیرم دیلیم آلیشیر،
سنی ترک ائندنه حالیم قاریشیر.
گیزلی سۆزومو من دییه بیلیمیرم،
دردن منیم سومو کلریم گئییشیر.

اتگیندن چمن تک گول تۆ کولر،
کاکلیندن ساری سونیول تۆ کولر.
هر دفعه کی سنی آنیب آغلارام،
آغاج اوسته یوزلر بولبول تۆ کولر.

بیر اوره گیم واردیر، سلطانان قورخماز،
کیشی تک، بوخوودان، زنداندان قورخماز.
عاشقین اوره گی آج قوردا بنزهر،
آج قورد، هئچ هییتلی چوباندان قورخماز.

یازیق او آدم کی، قارداشسیز اولار،
قانادسیز قوش کیمی هاماشسیز اولار.
بیر اتک دولوسو قیزیل وئرهلیم،
بیر قارداش آلاییم، قارداش می اولار؟!

دوچشمم بر در دروازه باشد ،
خوشِ جانم به یار تازه باشد .
ولی دستم به دستش نارسیده ،
در این شهر کلان آوازه باشد .

نخوردُم ناز، بر جانم بلا شد ،
نکردُم کار، بر من افترا شد .
نچیدُم میوه باغ کسی را ،
که بدنامی من در کوچه ها شد .

عرق پشت لبانت جاله باشد ،
همیشه کار عاشق ناله باشد .
خودت گفתי که عاشق کشتنی نیست ،
الهی، عمر تو صدساله باشد !

دلم دیوانه بو، دیوانه تر شد ،
لباسم کهنه بو، پوسیده تر شد .
از آن روزی که یارم در سفر رفت ،
خوراکم دائماً خون جگر شد .

ایکی گۆزوم دروازایا باخیری،
تازا یاردان جانشادلیق آخیری.
هله الیم یئتیشمه میس الینه،
بو خبردن بیر شهر چاخناشیری.

نار یئمە دیم، جانیمایا اولدو،
ایش گۆرمە دیم، منه افترا اولدو.
بیرینین باغیندان میوه درمه میس،
آدیم رسواییغا مبتلا اولدو.

تردن دوداغین اوسته ژاله دوشموش،
بۆلگوده عاشقه ناله یئتیشمیش.
دئون کی عاشقی اۆلورمک اولماز،
گۆرسیدیم عۆمورون یوز ایلی آشمیش!

گۆیلوم دلی ایدی، لاپ دلیلشدی،
پالتاریم کهنه ایدی، لاپ الدن دوشدی.
ایستکلیم سفره گئتدیگی گوندن،
یئدیگیم - ایچدیگیم قانلا قاریشدی.

خدایا، عاشقی پیدا نمی شد،
درخت غنچه گل وا نمی شد.
اگر لیلی ره می دادن به مجنون،
کسی در عاشقی رسوا نمی شد.

چه خوش بید دست من اشکسته می شد،
خود دسمال دلبر بسته می شد.
که مردم دیده و نادیده می گن،
که کاشکی، این حکایت راسته می شد.

بهار اومد و گلها چیدنی شد،
لبون دختر و بوسیدنی شد.
لبون دختر و با عطر و عنبر،
به سوغات بزرگون بردنی شد.

عجب صورت، عجب قامت، عجب قد،
عجب عاشق کشی، ای بی مروت!
کمندی بسته ای پای دل مو،
نمی ترسی تو از روز قیومت؟!

آلاهیم، عاشقلیک تاپیلما سایدی،
غنچه آغاج اوسته آچیلما سایدی.
لیلینی مجنونا بورا خایدیلار،
عشق اوغروندا رسواییق اولما سایدی.

نولئیدی، بو الیم منیم سینئیدی،
یارین دسمالی ایله باغلانئیدی.
هامو گۆرن دئیر، گۆرمیه ن دئیر،
نولئیدی، بو حکایت دوز اولئیدی.

باهار گلدی، گوللر درمه لی اولدو،
قیزلارین دوداغی سورمالی اولدو.
قیزلارین دوداغی عطیر - عنبرله،
بؤیو کلر سووغات وئرمه لی اولدو.

بو نه سیما، بو نه قامت، بو نه قد،
عاشق اولدورن سن، سن بی مروت!
بیر کمند باغلادین گۆنول قیچینا،
هنچ دنمز سن بیر گون واردی قیامت؟!

مخور غصه، که یارت خواهد اومد،
به دل صبر و قرارت خواهد اومد.
برو، در گوشه ای آسوده بنشین،
مه آخر در کنارت خواهد اومد.

وَلَم چون ماه تابون از در اومد،
جو بره رو به شیر مادر اومد.
دو زلفش همچون شاخ قوچ جنگی،
ندونم، از چه رو، با خنجر اومد.

برو، با یار گو، یار تو اومد،
گل نرگس، خریدار تو اومد.
برو، با یار گو، چشم تو روشن،
همو یار وفادار تو اومد.

یار با ما بی وفایی می کند،
یار ما از ما جدایی می کند.
جو فروش است آن ستمگر، سیمتن،
او به ما گندم نمایی می کند.

غم ائىلمە، يارين گلير تئزليگله،
گلير گۈنۈل داياناغين تئزليگله.
چكىل، بير بوجاقدا آسوده اوتور،
گله جكدير، شوخ نگارين تئزليگله.

اىستكليم قايدان آي كيمي گلدی،
قوزو تك آنا دسودونه يۈنلدى.
ايكى ساچى دۈيوشكن قوج بوينوزى،
بيلمه ديم بس نيه خنجراله آلدی.

گئت، يارېما دئنه، يارين گليدى،
نرگيز گولى، خريدارين گليدى.
گئت، يارېما دئنه، گۈزلىرىن آيدىن،
اىسته ديگين وفادارين گليدى-

يار بيزىملە وفاسىزلىق ائله يير،
يار بيز لردن اوزاقلاشماق اىسته يير.
ظالمين بالاسى آرپا ساتاندى،
اۈزون بيزه بوخدا ساتان گۈستريير.

شو تاریک و مهتابم نیومد،
نشستم تا سحر خوابم نیومد.
نشستم تا دم صبح قیومت،
قیومت آمد و یارم نیومد.

سیا چشم بزنجونی لبِت قند،
دو بوس می خوام، بفرما قیمتش چند.
بهای بوسه‌ات را بخشم ای ول،
ملک ری و بخارا و سمرقند.

دو چشمنوم به درد اومد به یکبار،
زیس که گریه کردم از غم یار.
بیار دسمال، که تا چشمم ببندم،
که شاید به شود، از بوی دلدار.

دو چشمنوم به درد اومد به یکبار،
زیس که ناله کردم، از غمت یار.
بده دسمال، ببندم هر دو چشمم،
که شاید به شود از بوی دسمال.

گنجه قارانلیقدیر، آی اوزلوم گلمز،
اوتورسام صبحه تک یوخوم آپارماز.
اوتوررام قیامت قوپانا قدر،
قیامت باش وئرەر، یاریم گؤرونمز.

بزنجانلی قارا گؤزلوم، دوداق بال،
ایکیجه اؤپوش وئر، باهاسینی آل.
اؤپوشونون باهاسینا گؤزه لیم،
ری یی، بخارانی، سمرقندی سال.

گؤزلریم آغریدی گؤزله نیلمه دن،
چوخلو آغلامیشدیم یارین غمیندن.
دسمال گتیر، گؤزلریمی باغلایم،
بلکه یاخشیلاشا یار نفسیندن.

ایکی گؤزوم بیردن آغرییا گلدی،
اینله دیم، اوره گیمده غم دیکلدی.
دسمالین وئر، گؤزلریمی باغلایم،
بلکه گؤزوم عطریندن حالا گلدی.

زهجرت روز من گشته شو تار،
تو خندونی و من در غم گرفتار.
تموم ملک کرمون را بگردی،
نه بینی مثل من یار وفادار.

اگر باشی زحال ما خبردار،
دل سختت بسوزه بر من زار.
اگر خاک دو عالم را به بیزی،
نبینی مثل من یار وفادار.

چرا کج می روی، ای چرخ غدار،
مگر تو کینه داری با من زار.
نترسیدی ز فردای قیومت،
بریدی دست من از دو من یار.

مسلمانان، سه غم او مدد دلفکار،
خرلنگ و زن ننگ و طلبکار.
خداوندا، زن ننگ را تو انداز،
مو مانم، با خرننگ و طلبکار.

فراقیندا گونوزوم گنجه اولموش،
سن گولورسن، منی غم اوسانديرمیش.
بوتون کرمان دیارینی دولاشسان،
گورمه سن من کیمی جانیندان دویموش.

اگر احوالیمدان خبر توتارسان،
من یازیغا برک اورک یانديرارسان.
بوتون تورپاقلاری اله سن ده سن،
من تک وفاليسين چتین تاپارسان.

ظالم فلک، نه دن اگری گنديرسن،
یوخسا من یازیغا کین بسله ییرسن.
هئچ قورخمورسان قیامتین گونوندن،
الیم یارین اتگیندن کسیرسن.

مسلمانلار، اوچ غم گلدی جان سیخار،
چولاق ائشک، ناباب آرواد، طلبکار.
آلاهیم، سن ناباب آروادی قالدیر،
اؤزوم بیللم، چولاق ائشک، طلبکار.

سر من می رود بالای این کار،
اگر عهده ت بنایی داره، ای یار.
اگر بر کشتن عاشق رضایی،
که عاشق هم خدایی داره، ای یار.

سلامت می رسونم، دونه نار،
به قریون تو گردم، نازنین یار.
میون صد جوون دل بر تو بستم،
فدای جون تو، خوبم نگهدار.

نماز شام قضایی می کنم یار،
مه کی از تو جدایی می کنم یار.
به پاس خاطر روی تو جانان،
به دشمن آشنایی می کنم یار.

نگارینم نشسته پای دیوار،
نمی دونه علاج درد بیمار.
علاج درد بیمار آن طبیبه،
علاج درد عاشق، دیدن یار.

من باشیمی وثررم بو ایش اوستونه،
ایلغارین دوغروسا، یار سؤیله منه.
عاشق اؤلورمگه گۆنوللو اولسان،
عاشقین ده اؤز آلاهی وارینه.

سلامیم وار سنه، آی نار داناسی،
قربان اولوم سنه، گۆزه‌لر خاصی.
یوز جوان ایچینده سنه وورولدوم،
یاخشى ساخلا منی، جانین فداسی.

گئجه نامازینی من قضا قیلام،
یار بیلیم سندن نجه آیریللام.
سنین او گول اوزون احترامینا،
دشمنله اورتادا آشنالیق ساللام.

گۆزه‌لیم اوتوروب دیوار دییینده،
او بیلمز خسته‌نین درمانی نده.
خسته‌نین درمانی حکیم الینده،
عاشق داساغالار، یارین گۆرنده.

صبحکی اومدم مه دیدیت، یار،
برای الفت و خندیدیت، یار
صبحکی اومدم، رویت ندیدم
قیامت شد به من نادیدیت، یار.

اگر یار منی، هموار بسیار،
وگر نه یار ناهموار بسیار.
اگر یار منی، رسم بزرگون،
وگر نه خرس در خونسار بسیار.

تو را می خوام، وگر نه یار بسیار،
گلی می خوام، وگر نه خار بسیار.
گلی می خوام که در سایه ش نشینم،
وگر نه سایه دیوار بسیار.

سر کوی بلند و برف بسیار،
زچشمون خون ببارم، از غم یار.
غم دوری دلبر کرده پیرم،
چو پیرون دست و پائیم مانده از کار.

سحر - سحر گلدیم گۆرمگینه، یار،
خوشام الفتینه، گولمه گینه یار.
سحر - سحر گلدیم، اوزون گۆرمه دیم،
گۆرمگیم قالیبدی گلمه گینه یار.

اگر ایستکلیم سن، چالیش دوم - دوزاول،
یوخسا اگری - اویرو ایستکلی نه بول.
اگر ایستکلیم سن، بؤیوکلر کیمی،
یوخسا، خونساردا دا آیی وار، بول - سول.

سنی ایسته بیرم، یوخسا نه چوخ یار،
من گول ایسته بیرم، یوخسا نه چوخ خار.
من گول ایسته بیرم کۆلگه لنمگه،
یوخسا کۆلگه سالان دیوار، نه چوخ وار.

اوجا داغ باشیندا قار قالانیبدی،
قان یاشلی گۆزومه غم جالانیبدی.
یارین اوزاقلیغی قوجاتدی منی،
قوجا تک ال - قولوم ایشدن قالیبدی.

دلم می خوات امینت باشم، ای یار،
سر کوچه کمینت باشم، ای یار.
همون وختی که از حموم در آیی،
خودم فرش زمینت باشم، ای یار.

چرا امروز وفردا می کنی یار،
چرا غم در دلم جا می کنی یار.
آتش در خرمن عمرم گرفته،
هنوز از دور غوغا می کنی یار.

به قریون دو انگشت تو دلبر،
به قریون گل روی تو دلبر.
مثال روزه داران روزه داری،
به قریون لب خشک تو دلبر.

قدت از دور دیدن داره دلبر،
لب لعلت مکیدن داره دلبر.
شنیدم میوه باغت رسیده،
انارت باب چیدن داره دلبر.

سنو گیلیم ایستردیم امینین اولوم،
کوچه نین تینینده پوسقودا دوروم.
حمامدان سن چیخیب گلدیگین زمان،
فرش اولوب اوتدوغون یئره آچیلیم.

نیه بوگون- صاباح ائیلیرسن یاریم،
نیه اوره گیمی پی لیرسن یاریم.
عؤمروم خرمنینه اود دوشوب یانیر،
اوزاقدان دورموسان هایلیرسان یاریم.

بیرجوت بارماغینا قوربان اولوم من،
او گول یاناغینا قوربان اولوم من.
اوروج توتانلار تک اوروج توتموسان،
سوسوز دوداغینا قوربان اولوم من.

بوو اوزاقلادان گؤرمه‌لی دلبر،
یاقوت دوداقلاری سورمالی دلبر.
ائتیتدیم باغیندا میوه دریلیر،
اناری بوداقدان درمه‌لی دلبر.

سحر پرسیدم از گیسوی دلبر،
که تو خوشبوتری یا مشک و عنبر.
بگفتا، دلبرا، می رنجم از تو،
مرا با مشک می سازی برابر.

نصیحت می کند مادر به دختر،
سر بی چادر از خانه نرو در.
که شاید نا کسی از دور بیند،
شود حیران و سرگردان و مضطر.

نگارا، از غمت می میرم آخر،
بهای خون خود می گیرم آخر.
بهای خون من قیمت نداره،
قیامت دامت می گیرم آخر.

دو چشمم انتظار است، ای برادر،
دو دستم زیر بار است، ای برادر.
بیا تا سیر دیدارت به بینم،
که دنیا، بی قرار است، ای برادر.

يارىمىن ساجىندان سوروشدوم سحر،
سن چوخ عطيرلى سن، يا مشك عنبر.
دئدى: اىستكلى يار، اينجىرم سندن،
منى مشك - عنبرله ائتدين برابر.

اؤبودلر وئرىرى قىزىنا آنا،
اؤدون چاراسىز گئتمه اويانا.
گئدرسن بير ناكس اوزاقدان گؤره،
سرگردانلىق چكراويا - يانا.

گؤزه لىم، غمىندن اؤلهرم بير گون،
قانىمىن باھاسىن آلام بير گون.
قانىمىن باھاسى بير پولا دگمز،
محشرده انگين توتارام بير گون.

ايكى گوزوم انتظاردير، قارداشىم،
ايكى الده يوكوم واردير، قارداشىم.
ياخين گل، گول اوزون دويونجا گوروم،
فانى دنيا قاراسىزدير، قارداشىم.

فلک، زارو نزارم کِردی آخر،
جدا از گل‌لذارم کِردی آخر.
میون تخته نردم نشوندی،
شش و پنجی به کارم کِردی آخر.

دو زلفون سیاهت هردو همسر،
که ریخته بر سر و روی تو دلبر.
یکی حلقه زده بر گرد رویت،
یکی او می خوره از حوض کوثر.

خودت دورو رهت دور، منزلت دور،
اگر ترک کنم، چشمم شود کور.
اگر دونم که قولت پابجایه،
به امیدت نشینم تا لب گور.

خودت گفתי که تا صد سال دیگر،
به غیر از تو نگیرم یار دیگر.
سر سالی نشد یاری گرفتی،
سخن در پیش من، دل جای دیگر.

آى فلک، سن منى آياقدان سالدین،
گۈزل دلدارىمى الیمدن آلدین.
شاه مات اویونوندا اورتاياقويدون،
شش - بش ايله منه غلبه چالدين.

ایکى قاراساچین قوشا - قوشادیر،
تۈکولوب اوزونه بیر تماشادیر.
بیرىسى، آى اوزون آرایا سالیب،
او بیرسین کوثرین سویو یاشا دیر.

اۋزون اوزاق، یولون اوزاق، ائو اوزاق،
کور اولسون گۈزلریم، اونوتسام ناحاق.
بیلسم اگر وئردیگین سۈز یئرینده،
امیدینله اوتوررام اۋلنه جاق.

اۋزن دئدین، ایندن یوز ايله قدر،
سندن غیرى توتمارام اۋزگه دلبر.
ایل باشا چاتمامیش اۋزگه یار تاپدین
سۈزون بوردا، گۈنلون اوزاقدا گزەر.

نگار لب شکر، یکبار دیگر،
ول آهو کمر، یکبار دیگر.
بیا تا ما کنیم دستا به گردن،
مث سالهای اول، بار دیگر.

نمک تلخه، به زخم تازه منداز،
موره کشتی، به شهر آوازه منداز.
موره کشتی به دست خود کفن کن،
به دست مردم بیگانه منداز!

بیابون تا بیابون تاختم امروز،
نگا بر هر گلی انداختم امروز.
لهی، دید گانم کور کرده،
ولم را دیدم و نشاختم امروز.

شمالا، بی پرو بی بالُم امروز،
شمالا، ناتوان و زارُم امروز.
سلامم را رسان تو نزد دلبر،
شمالا، از تو منت دارُم، امروز.

دوداغی شکریم، بیردفعه داها،
اینجه جیک کمریم، بیردفعه داها.
گل، یئنه بیرلشیب، قول- بویون اولاق،
قاباقلار کیمی، بیردفعه داها.

آجی دوزی تازا یاراما سیمه،
منی اؤلدورورسن، ائلده جارچکمه.
منی اؤلدورورسن اوزون کف ائت،
اؤزگه لرین امیدینه بوراخما!

چولی باشدان - باشا آیاقدان سالدیم،
گۆردو گوم هر گوله من حیران قالدیم.
ایلاهی، گۆز لریم کور اولئیدی، کاش
یاریمین سراغین اؤزگه دن آلدیم.

صبایئلی، من بوگون قانادسیزام،
صبایئلی، دربدرم، یالقیزام.
سلامیمی یئتیررسن یاریما،
سندن راضیلیق ائتمگه عاجزام.

چرا رنگت پریده جوئم امروز،
چرا غم می خوری، ای یار دلسوز.
چرا غم می خوری، چیزی نمانده،
عزیزت می رسد تا عید نوروز.

کجایی باد، ورداری من امروز،
به پیش دسته گل بنشونی امروز.
کجایی یار، سرم گیری به زانو،
خود دسمال کنی پاک اشکام امروز.

ولم تب کرده ولج کرده امروز،
سرو گردن به من کج کرده امروز.
هر اون کس بهر من صلحش بیاره،
نماز و روزه و حج کرده امروز.

سه روزه رفته ای، ده روزه امروز،
به نوروز رفته ای، چه روزه امروز.
خودت گفتی سر سه روز می آیم،
بیا، بشمار، بین چن روزه امروز.

نیه رنگین قاجیدیر شوخ نگاریم،
نیه غم اودورسان، شفقتلی یاریم،
نیه غم اودورسان، چوخ اوزون چکمز،
ایستکلین گلیری بایراما، جانیم.

یئل هارداسان، کاش منی گؤتورئیدین،
دسته گولوم یانینا یئتیرئیدین.
یار هارداسان، باشیم آلیب دیزاوسته،
دسمالینلا گؤزوم یاشین سیلئیدین.

یاریم قیزدیریدیر، منله لاج اندیب،
بو یون - بوخونونی منه کج اندیب.
هر کس اونو منله باریشدیرارسا،
ناماز قیلیب، اوروج توتوب، حج اندیب.

اوچ گونه گئتمیشدین، اون گوندی بوگون،
نوروزا گئتمیشدین، نه گوندی بوگون.
اؤزون دئدین اوچ گونه جن گلرم،
گل بیرسانا، گؤر، نئچه گوندی بوگون.

الا بلبل، که می نالی شب و روز،
بیا، ستر دلت را بر من آموز.
تو از بهر گلت پنج روز نالی،
بنالم من چرا هرشام و هر روز.

سه ماهه و سه ساله و سه نوروز،
به دنبال تو می گشتم شب و روز.
تو که با ما سر یاری نداشتی،
چرا با ما نگفتی تو همو روز؟!

زنم ناله، که نالم ناله درنیس،
زنم ناله، که دلبر را خبر نیس.
زنم ناله به درگاه خداوند،
مگر آه دل مو کارگر نیس.

تو در دوری، خطی از دور بنویس،
سخنهای خوش مقبول بنویس.
سخنهای خوش مقبول به کاغذ،
به دست باد بده، زودی بفرست.

آی بولبول، سن گنجە - گوندوز اینلرسن،
قوی اوره گین - سرتینی اؤرگه نیم من.
سن گولوندن اؤترو بئش گون آغلارسان،
من آغلارام، گنجە - گوندوز بیلمه دن.

اوچ آیدی، اوچ ایلدی، اوچ کره نوروز،
دالینجا گزیرم من گنجە - گوندوز.
سن کی منله یار اولماق ایسته میردین،
نیه بس دئمه دین اؤز سؤزونو دوز؟!.

اینله یهرم، اینیلتیم بیلن اولماز،
اینله یهرم، یار منی خبر آلماز.
اینله یهرم، آلاهیین درگاهیندا،
منیم گؤنول آهیم حسابا گلمز.

سن کی اوزاقداسان، بیر کاغاذ گؤندر،
خوشا گلیم سؤزلر اونا یاز گؤندر.
سؤزلرین هم دادلی، هم خوشا گلیم،
ئریلین الینه، چالیش تئز گؤندر.

سرم درد می کند ، حالم خراب اس ،
میان سینه ام سیخ کباب اس .
بیا ، یار جان ، کبابی نوش جان کن ،
کباب عاشقان خوردن ثواب اس .

شو تار است و گر گون می درند میش ،
دو زلفونت پریشان کن ، بیا پیش .
اگر همسایگان بیدار گردن ،
بگو ، خیر خدا ، دادم به درویش .

دلم تنگه ، به تنگی چشم غلبال ،
رخم زرده ، به زردی کاه دیوال .
خداوندا ، صبوری بر دلم ده ،
که هر دم پیش چشمم هست ، صد سال .

ستاره سر زده ، ماهم زدنبال ،
خدایا ، قافله کی می کنه بار ؟
خدایا ، قافله یک شو بمونه ،
سفر در پیش دارم ، ول زدنبال .

باشیم آغرییری، حالیم خرابدیر،
سینمه تاخیلان شیشده کبابدیر.
عزیزیم، گل گیلن کباب میل ائله،
عاشق‌لر کبابین یئمک ثوابدیر.

گنجه قارانیق‌دیر، قورد قویون ییرتیر،
ایکی ساچین داغیت، اوزونو یئتیر.
اگر قاپی - قونشو دویوب بیلسه‌لر،
ده، آلاه احسانی درویشه چاتیر.

اوره گیم داریسقال، الک گوزو تک،
اوزوم ساپ - ساریدیر، سوواق اوزوتک.
یارادانیم، اوره گیمه صبیر سال،
یوخسا هر بیر گونوم یوزایل گنجه‌جک.

اولدوز باش قالدیردی، آی دا دالینجا،
آلاهیم، قافله یو کون آلینجا.
آلاهیم، قافله بیر گنجه قالسین،
سفر قاباقدادیر، یاریم آردینجا.

چه بد کردم که خوردُم زهر قاتل،
چه بد کردم که دل بستُم به جاهل.
ندانستُم که جاهل بی وفایه،
پشیمانی کشم تا روز آخر.

غلط کردم، که خوردم زهر قاتل،
غلط کردم، که دادم دل به جاهل.
غلط کردم نشستم بر سر راه،
غلط کردم که بردم رنج باطل.

نمی تانم، غمت بر دارم از دل،
نمی تانم، بسازم دور منزل.
نمی تانم، دمی بی تو نشینم،
دو پایم تا بزانو مانده در گل.

چرا ویلون و سرگردونی، ای دل،
همیشه مایل خوبانی، ای دل.
مرو بر خانه خوبان تو بسیار،
که آخر در بلا می مانی، ای دل!

پیس ایش گۆردوم، ایچدیم زهر هلاهل،
پیس ایش اولدو، گۆنلومو آلدی جاهل.
بیلمه دیم کی، جاهل وفاسیزایمیش،
سوناجاق پشیمانلیق چکه جک، غافل.

آنلامادیم، ایچدیم زهر هلاهل،
آنلامادیم، ایستکلیم اولدو جاهل.
آنلامادیم، اوتوردوم یول اوستونده،
آنلامادیم، زحمتیم اولدو باطل.

باشارمیرام، غمین سلیم اورکدن،
باشارمیرام، سالام اوزاقدا مسکن.
باشارمیرام، بیر آن سنسیز اوتورام،
آیاغیم پالچیغا باتیب دیزه جن.

نه دن آواراسان، ویلانسان گۆنول،
گۆزه‌لر اوزونه حیرانسان، گۆنول.
گۆزه‌لر ایزینجه چوخدا دولانما،
اؤزونو بلایا سالارسان گۆنول!

تو در دوری، مو در دورم، چه حاصل،
تو بیماری، مو رنجورم، چه حاصل؟
تو در شهر غریب تنها و تنها،
مو پابند ره دورم، چه حاصل؟!

رهم دور است و بی تدبیر، مشکل،
به جنگ شیر، بی شمشیر، مشکل.
بیا، بنشین، بگویم یک حدیثی،
زن جاهل، به مرد پیر، مشکل.

یارم، به سر کوت رسیدن مشکل،
پا از سر کوی تو کشیدن مشکل.
جان در ره روی تو بدادن آسان،
جان دادن و روی تو ندیدن مشکل

خودت گل، قامتت گل، گوش پات گل،
به گلزارت بیایم همچو بلبل.
اگر یک شو به باغت جا بگیرم،
بچینم دامنی پر از قرنفل.

سن اوزاقدا، من اوزقدا، نه فايدا،
سن خسته سن، من ياتا قدا، نه فايدا؟
سن غريب شهرده يالقيزدان يالقيز،
من قالميشام چوخ ايراقدا، نه فايدا؟!

يولوم چوخ اوزاقدير، تدبير سيز، چتين،
آسلانالا ووروشماق شمشير سيز، چتين.
بويور اگلش سنه بير حديث دئيم:
كيشي قوجا، آرواداعاغيلسيز، چتين.

ياريم، محلله نه يئتيشمك، چتين،
محلله ن باشيندان ال چكمك، چتين.
جان سنين يولوندا وئرمك آساندي،
جان وئريب، اوزونو گؤرمه مك، چتين.

اوزون گول، قامتين گول، هريانين گول،
گللم گلزارينا، اولارام بولبول.
بير گئجه باغيندا يئرلشه بيلسم،
دره رم، بير اتك دولو، قرنفيلى.

الهی، مو به قربونت برم گل،
بو قربون دو چشمونت برم گل.
دلت را دیگری خون کرده دوئم،
به قربون دل تنگت برم گل.

شتر از بار می ناله، من او ول،
بنالیم هر دومان منزل به منزل.
شتر ناله که من بارم گرونه،
منم نالم که دور افتادم از ول.

نی هفت بند نوایی داره، ای ول،
همه دردی دوایی داره، ای ول.
همه در کشتن عاشق رضاین،
که عاشق هم خدایی داره، ای ول.

ترا می بینم و می سوزم، ای ول،
زدیده اشک و خون می ریزم، ای ول.
ترا می بینم و چاره ندارم.
همه غلبال غم می بیزم، ای ول.

ايلاهي، من سنه قوربان اولوم گول،
ايكى گوزلرينه حيران اولوم گول.
اوره گين اوزگه سى قان ائيله ميشدير،
بنزيكميش گونلونه قوربان اولوم گول.

دوه يوكدن اينلر، من ياراليندن،
ايكىمز اينلريك يول اؤتوشونجن.
دوه اينلر: منيم يوكوم آغيردير،
من اينلهرم: آيري دوشدوم گولومدن.

يندوي بوغوم نئين نواسي وار، يار،
دنيادا هر دردین دواسي وار، يار.
هامي عاشق اولدورمگه جان آتار،
عاشقين ده بيرجه خداسي وار، يار.

سنى من گؤرورم، يانيرام، ياريم،
گؤزومدن قانلى ياش جاليرام، ياريم.
سنى من گؤرنده چاره سيزليكدن،
غم قلبيرين آليب، اليرم، ياريم.

الف بودُم، ز عشقت دال گشتم،
شکر بودُم، چو زهرمار گشتم.
گلی بودم میان تازه گلها،
ز عشقت بی پروبال گشتم.

ای یار عزیز، بلا بُدی دانستم،
تو دلبر بیوفا بُدی دانستم.
خیلی است که من تو را همی می خواستم،
آخر که تو بیوفا بُدی دانستم.

بر روی رهش مثال گرد افتادُم،
از خوردن غمهاش به درد افتادُم.
از خوردن غمهاش نمانده حالم،
چار روز نشده به رنگ زرد افتادُم.

نگار نازنین، من اهل دردم،
سرم را گر برند، از تو نگردم.
سرم را گر برند با خنجر تیز،
به خون جولان کنم، گرد تو گردم.

الف ایدیم، عشقندن دالا دۇندوم،
شکرایدیم، زهرماھارا دۇندوم.
تازا گوللر ایچینده بیر گول ایدیم،
عشقیندن قانادسیز اوچقارا دۇندوم.

نازلی یاریم، بلایمیشسان، بیلدیم من،
دلبر بیوقایمیشسان، بیلدیم من.
چوخذاندی کی، سنی یامان ایستردیم،
آخر کی، بیوقایمیشسان، بیلدیم من.

یولونون اوستونده توز اولوب قالدیم،
غملرین یئمکدن درده توش اولدوم.
غملرین یئمکدن حالیم خرابدی،
دۇرد گون گۆچمه میشدن سارالیب - سولدوم.

ایستکلی گۆزه لیم، درد اهلیم من،
باشیمی کسسه لر، دۇنمه رم سندن.
باشیمی کسسه لر ایتی جنجرله،
قان ایچره دولاشیب فیزلانارام من.

الا دختر، ببین این رنگ زردم،
غم عشق تو هست، دردی به دردم.
بیا در خانه ما و دوپایت،
به چشمم نه، که هس درمون دردم.

چشمان تو را به گل اشارت کردم،
لبهای تو را به بوسه غارت کردم.
هر روز هزار بوسه ات می کردم.
امروز به یک بوسه قناعت کردم.

شب شنبه زکرمون بار کردم،
غلط کردم، که پشت و ر یار کردم.
رسیدم بر لب آب صفاهون،
نشستم، گریه بسیار کردم.

آهو بره سفیدمه گم کردم،
خودمه به در خونه مردم کردم.
مردم میگن، تو بچه دیوانه شدی،
دیوانه نیم، یار کمه گم کردم.

آی قیز، سن باخ، منیم سولغون رنگیمه،
سنین عشقین غمی درد دیر دردیمه.
گل منیم انویمده ایکی آیاغین،
قوی گوزوم اوستونه، درمان دردیمه.

سنین گوزلرینی گوله اوخشاتدیم،
سنین دوداقلارین اؤپوشه قاتدیم.
هرگون من مین دانا اؤپوش آلاردیم،
بوگون بیر اؤپوشه قناعت ائتدیم.

شنبه گئجه‌سی من کرماندان چاتدیم،
یالنیش ایش گوردوم کی، یاریمی آتدیم.
کلیب چاتدیم اصفهانین سویونا،
اوتوردوم، گوز یاشیم سولارا قاتدیم.

آغ آهو بالامی ایتیرمیش اولدوم،
اوزومو ائل - اوبا انوینه سالدیم.
ئل - اوبا دئییرلر دلی اولموسان،
من دلی دگیلم، یاردان آیریلدیم.

من روی تو را قبله طاعت کردم،
غمهای تو را خورده، قناعت کردم.
روزی دوهزار بار تو را می دیدم،
امروز ندیدم و قناعت کردم.

از کوچه تنگ تو گذر می کردم،
بر خال سیاه تو نظر می کردم.
بر خال سیاه تو نگاهم نرسید،
اندیشه از روز ازل می کردم.

بیا، از در در، که شاد گردم،
به قربون قدو بالات گردم.
به قربون قدو بالات نه چندون،
به قربون صدای پات گردم.

به قربون سروسیمات گردم،
بلا گردون سرتاپات گردم.
چو دگمه سر نهم بر روی سینه ات،
چو قیطون دور پستانهات گردم.

سنىن اوزونو من قبله ائله دىم،
سنىن غملىرىندىن من پاي دىله دىم.
هرگون مېن دفعه لىر سنى گۆره ردىم،
بوگون گۆرنمە دىم، نه اولار؟ دندىم.

سنىن دار كوچه ندىن گىچە بىلسىدىم،
سنىن قارا خالىن سىچە بىلسىدىم،
قارا خالىنى من گۆره بىلمە دىم،
ازلدىن بو فكرى اۆلچە بىلسىدىم.

گل، گىر، قايدان سن، شادان ائت منى،
گۆزل بوى - بوخانا قورىبان ائت منى.
گۆزل بوى - بوخانا هله قورىبان بوخ،
آياغىن سسىنه حيران ائت منى.

سنىن اندامىنا من فدا اولوم،
باشدان آياغا تك قادانى آلىم.
دكمه تك باش قويوم سىنه اوستونه،
قيطان تك دۇشلىرىن آرايا سالىم.

گل گلها، من از تو برنگردم،
اگر ببری سرم، از تو ننگردم.
اگر ببری سرم، با خنجر تیز،
به خون جولان زنان گرد تو گردم.

وَلَمْ تا تو نیایی، من نخندم،
دگر عهد و وفا با کس نبندم.
دگر تا تو نیایی، یار جونی،
نه چش سورمه کنم، نه سر ببندم.

مثال بلگ بید پزمرده بودم.
زبسکه غصه ول خورده بودم.
بریزه رشته زلفت برویم،
اگر دیشو نبودی مرده بودم.

قدت از دور بینم، بنده گردم،
جمالت بینم و شرمنده گردم.
اگر صدسال در قبرم گذارن،
به بالینم بیایی زنده گردم.

گوللر گولو، من سندن اوز چئویرمم،
باشیمی کسسه‌ن ده، من سندن دؤنمم.
باشیمی کسسه‌ن ده ایتی خنجرله،
قان ایچره فیرلانیب سنه یۇنللم.

یاریم، سن گلمه‌سن، من گوله بیلمم،
اؤز گه‌لرله ایلقار باغلایا بیلمم.
اگر سن گلمه‌سن، ایستکلی یاریم،
سورمه چکه بیلمم، باش هۇره بیلمم.

سؤیود یارپاغی تک من سولموش ایدیم،
از بس یاردان اوز گونلوک گۇرموش ایدیم.
دوشسون زلفون ساچاقلاری اوزومه،
دون گنجه اولماسایدین اۇلموش ایدیم.

بویون گۇرسم اوزاقدان، قولون اوللام،
گول جمالین گۇرسم، سندن اوتاننام،
اگر یوز ایل تورپاق آلتیندا قالسام،
باشیم اوسته گلسن بیردن دیریللم.

همه رفتند و مو تنها بموندم،
درخت یکه در صحرا بموندم.
درخت یکه و بی شاخ و بالم،
برای محنت دنیا بموندم.

گلم را می برند، چاره ندارم،
اگر زورم رسد، کی می گذارم.
ندارم زور بازو، زر به دامن،
گلم را بر خدایم می سپارم.

بیا، دختر عمو، یار رشیدم،
غم و درد توره بر دل خریدم.
غم و درد توره بردن به بازار،
خودم تاجر شدم، غمها خریدم.

در عالم هرچه دیدم، از تو دیدم،
دل از دنیا بریدم، از تو دیدم.
تو دادی شهرت بدنامی من،
به هرخاری رسیدم از تو دیدم.

هامى گئتدى، منسه يالقيز قالميشام،
تك آغاچ تك چۆلدە تايىسىز قالميشام.
تكجە بير آغاجام، قول - بوداغيم يوخ،
دنيا غمى ايچرە يارسىز قالميشام.

گولوم آپارىرلار، چارە آرارام،
زوروم چاتا بيلسه، مگر قويارام.
نە قولومدا قوت، نە اتكدە پول،
گولومى آلاھا ايسمالايارام.

گل، آى غمى قىزيم، دلاور ياريم،
سنين درد - غمين قئيدينه قالميم.
آپاردىلار درد - غمين بازارا،
اۋزوم تاجر اولوم، غملرين آليم.

دنپادا هر نە گۆردوم، سندن اولدو،
دنپادان ال گۆتوردوم، سندن اولدو.
منيم آدىمى سن پيسە چىخارتدين،
تيكان اوستە اوتوردوم، سندن اولدو.

گلُم را می برن، چاره ندارُم،
اگر دستم رسد، کی می گذارُم.
گلُم را می برن، بر سوی شیراز،
چه کار سازُم، خدایش می سپارُم.

شو تار است و من دور از نگارُم،
زدوری نگارُم بی قرارُم.
اگر روی دلاروُم به بینم،
به جون ول، که من جان می سپارُم.

بلن بالا، ز عشقت بی قرارُم،
بیا، آشتی بکن، طاقت ندارُم.
بیا، آشتی بکن، ای جون شیرین،
خجالت های روت بسیار دارُم.

مسلمونون، مو از غم بیقرارم،
زیاده می شود داغ فراقم.
زیاده می شود، هیچ کم نمیشه،
به کام دل نمی سوزد چراغُم.

گولومو آلدیلار، یوخومدو چارام،
کوجوم چاتا بیلسه، مگر قویارام.
گولوم آپاردیلار شیرازا ساری،
نئینه ییم، آلاهییم، سنه ایسمارلارام.

گنجه قارانیقدیر، من یاردان اوزاق،
یامان اوره گیمی سیخیر بو فراق.
اگر اوزون گۆره بیلسم یاریمین،
جانی اوچون، دوشه رم جانداں ایراق.

اوجا بویلوم، عشقینده قرارسیزام،
گل گیله باریشاق، دایانا قسیزام.
گل گیله باریشاق ایستکلی یاریم،
سندن اوتانیرام، چوخ راحتسیزام.

مسلمانلار، من غمدن اوسانمیشام،
فراقین اودونا دوشوب یانمیشام.
گون به گونه چوخالیر، هئچ ده آزالمیر،
آرزو چراغیمدان اوزاقلانمیشام.

به ده نو می روم، پیش نگارم،
خداوندا، ز عشقش بی قرارم،
اگر یک بوسه نذر من کند یار،
نثارش می کنم، هر چه که دارم.

سر راهت نشینم، فال بگیرم،
اگر قاصد بیاد، احوال بگیرم.
اگر قاصد بیایه من نباشم،
سر شب تب کنم، شبگیر بمیرم.

ول سبزه، تو داری اختیارم،
به بازارم بری، حرفی ندارم.
به بازارم بری، بازم فروشی،
به غیر از تو خریداری ندارم.

اگر ترکت کنم، می میرم از غم،
جدایی گر کنم، می پاشم از هم.
دل من کوره آهنگرانه،
اگر شعله کشم، می سوزد عالم.

دەنوو! گەندىرم دلبەر يانىنا،
واللاھى عشقىندىن گەلمىشەم جاننا.
اگر بىر جە اوپوش نەزىر وئىرسە،
وارىمى - يوخومى وئىرەرم اونا.

يول اوستونەدە اوتۇرۇرام، فال تۇتارام،
قاصد يۇلدان گەلسە، احوال تۇتارام.
قاصد يۇلدان گەلسە، مەن گۇرەنمەسم،
آخشا ما قىزدىرۇرام، گەنجە قۇرتارۇرام.

اسمىر يارىم، اختىيارىم سەندە دىر،
آپارسان بازارا علاجىم نە دىر.
آپارىب بازارا ساتماق اىستەسن،
سەندىن ساواى اىستەنەم ھاردا دىر؟

تەرك ائىلەسم سەنى، غەصەدىن اۋللىم،
آيرىلارسام سەندىن، اولارام بىرەم.
اورە گىم دەمىرچى كۇرەسى كىمى،
شەلەنسە اكر، اودلانار عالم.

مثل قد تو به دهر کم باشد ، کم.
 اندر دلکم همیشه غم باشد ، غم.
 دنیاره اگر دوباره غربال کنند ،
 مثل من ماتم زده کم باشد ، کم.

غمونت میزنه آتش بجانم،
 تنور تفته ای، مو در میانم.
 تنور تفته ای از کنده تا ک،
 که هر دم می زنی آتش بجانم.

بیا پیشم نشین، پشت نشینم،
 بیا پیشم نشین، سیرت بینم.
 بیا پیشم نشین، نارنج خوشبو،
 از اون بوی خوش آروم گیرم.

بیا یار جان، سر سبزه نشینیم،
 به دسمالت گل لاله بچینیم.
 به دسمالت گل لاله چپ و راست،
 به قول بی وفا تا کی نشینیم.

سنین بویون کیمی، دنیا دا بوی آز،
گۆنلومون اوستونه غم اوستن، غم یاز.
دنیا نی بیر داها قلبیرله سه لر،
منیم کیمی یاسلی آز تاپیلار، آز.

غملرین جانیمآ آلولار ساچیر،
یانار تندر ایچره منه یئر آچیر.
یانار بیر تندریرسن مؤو کۆتو گوندن،
یانیدیر دیغین اودلار جانیمی یاخیر.

گل، اگلش یانیمدا، یانیندا اولوم،
گل، اگلش یانیمدا، دویونجا گۆروم.
گل، اگلش یانیمدا عطیرلی نارنج،
سنین خوش عطیرندن روحلانییم، دویوم.

گل عزیزیم، چمن اوسته اوتوراق،
دسمالینا لاله گوللری ییغاق.
دسمالینا لاله گولو ساغ- سولا،
ایلغارسیز سۆزونه بیز اینانمایاق.

شو مهتاب و مهتاب دل آروم،
نمی گیره دلم بی یار آروم.
نه دلبر از دلم هسته خبردار،
نه قاصد تا فرستم پیش یارم.

سر راه نگارم هرشو آیم،
قدش از دور می بینم، بپایم.
قدش از دور پاییدن نه چندون،
چو درویشان به پابوشش در آیم.

اگر تو گوهری، مو کهر بایم،
اگر تو نقره ای، مو از طلایم.
اگر تو بچه ای شرم می یایه،
به جایی وعده ده، تا مو بیایم.

میون شیرنیا خرما ره مایم،
میون دخترا کبرا ره مایم.
میون دخترای سر محله،
همو کبرای بلند - بالارو مایم.

گنجه آی ایشیغی، اوره گه یاتیم،
اوره گیم ایسته بیر، من یاراچاتیم.
نه یارین گؤنلومدن خبری واردیر،
نه بیرائلچی، اونلا یارا یول تاپیم.

یارین یولو اوسته هر گنجه گللم،
بویون قورماغا گؤرنجه گللم.
بویون اوزاقلاردان قوروماغا یوخ،
آیاغین اؤپمگه من وجه گللم.

سن اگر گوهرسن، من کهربایام،
سن اگر گوموشسن، من زرپارایام.
سن اگر اوشاقسان اوزوندن گلگیر،
هارا وعده وئرسن، من اورادایام.

شیرنیلر ایچینده خورمایا وارام،
قیزلار آراسیندا کبرایا وارام.
یوخاری محلله قیزلاری ایچره،
او بویلو - بوخونلو کبرایا یارام.

تو که با ناز میری، من میایم،
بلند پرواز میری من میایم.
هوای خال و ابروی کمونت،
اگر شیراز میری، من میایم.

به یاران الوداع گفتیم و رفتیم،
به تحت دل دعا گفتیم و رفتیم.
همان یاری که با ما داشت الفت،
پناهِش با خدا گفتیم و رفتیم.

دو زلفان سیاهت مارپیچان،
به سیمای سفیدت شد پریشان.
فتاده گردن تو حلقه - حلقه،
مثال چیل مروارید و مرجان.

مه قربانت شوم، ای چادرالوان،
تمام کوچه را کردی چراغان.
تمام کوچه را من گل بکارم،
تو گلدسته شوی، من گل نگهبان.

سن نازلا یورورسن، من ده گلیرم،
گؤگده گؤرونورسن، من ده گلیرم.
قارا قاشین، قارا خالین عشقینه،
شیرازا گئدیرسن، من ده گلیرم.

دوستلارا الوداع دئییب یورودوک،
گؤنلوموزده دعا دئییب یورودوک.
بیزله الفت سالان همانکی یارا، -
آلاه پناهیندا، دئییب یورودوک.

ایکی قارا ساچین قیوریلیمیش ایلان،
آغا بیاغ اوزونه اولموش پریشان.
ساریلیب بوینانا دولما - دولاشیق،
بویونباغی کیمی مروارید - مرجان.

سنه قوربان اولوم، چادراسی الوان،
کوچه‌نی بیر باشا اتدین چراغبان.
کوچه‌نین بویونجا من گول اکهرم،
سن چلنگ اولارسان، من گول قورویان.

ستاره از کنار ماه بردن،
سریار مرا از راه بردن.
اونا که می برن خیری نبینن،
زهر کنج لبم یک آه بردن.

برفتم گل بچینم، چیده بودن،
برفتم یار بینم، برده بودن.
برفتم توی دریا، دُر در آرم،
دُری که من می خواسم، برده بودن.

شترها بار کردن پسته دارن،
ولم را می برن من غصه دارم.
ولم را می برن منزل به منزل،
دل پر غصه را سر بسته دارم.

بیا، ای بی وفا بر من وفا کن،
اگه ترک کنم نعلت به ما کن.
اگه ترک کنم از بی دلایی،
بکش خنجر، سرم از تن جدا کن.

اولدوز زورایله آیدان آلدیلار،
آل اندیپ یاریم تله قوردولار.
اونو آپارانلار خیر گۆرمه سین،
دوداق بوجاغیندان آه قوپاردیلار.

گئتدیم گول درمگه، دریلیمیش ایدی،
گئتدیم یار گۆرمگه، کۆچرولموش ایدی.
گئتدیم دریا ایچره مرجان چیناریم،
ایسته دیگیم مرجان گۆترولموش ایدی.

دوه‌لر یوکلندی، یوکلری پسته،
نازلیم آپاردیلار، منده وار غصه،
نازلیم آپاریلدی هاردان هارایا،
اورکده یئر سالیب غم، غملر اوسته.

ایلقارسیزیم، گل، سن منه وفا قیل،
سنی اونودورسام منه جفا قیل.
اگر ترکین قیلسام گۆنولسوز لوکله،
چک خنجرین، باش بدنن جدا قیل.

بیا، تا ما به هم همراه باشیم،
چو کفتر در دهان چاه باشیم.
اگر کفتر بناله، ما بنالیم،
ز درد همدیگر آگاه باشیم.

بیا که، ما و تو همسایه باشیم،
بیا تا آب یک رودخونه باشیم.
همو که شب بشه، دستا به گردن،
همو که روز بشه، بیگونه باشیم.

به درگاه خدا بید آرزویم،
که یک بار دگر آیی به سویم.
زنی لب بر لبم، زانو به زانو،
بریزه شبنم زلفت برویم.

سرم گر درد گیره با که گویم؟
رخم گر زرد گردد با که گویم؟
دوای دردسر زانوی یاره،
مو که یاری ندارم با که گویم؟

گل، ال - الہ وئریب، بیز یولداش اولاق،
گؤیرچین تک قویو آغزیندا دوراق.
گؤیرچین اینله سه، بیز ده اینله یک،
اورتاق دردی میزدن باخبر قالاق.

گل گیلن ایکی میز همسایا اولاق،
بیر چایین سویونا آخیب قوشولاق.
گنجه اولان کی می قول - بویون اولوب،
گوندوز اولار - اولماز، بیز - آیری قالاق.

آلاه درگاهیندا وار بئله آرزوم،
سن بیر ده گله سن، من سنی گوروم.
دوداق دوداغیما، دیزین دیزیمة،
تؤکولسون تئللرین، اؤرتولسون اوزوم.

باشیم آغری یارسا، من کی مہ دئییم؟
اوزوم سولوشقارسا، من کی مہ دئییم.
باش آغری نین داواسی یارین دیزی،
یاریم اولما ییرسا، من کی مہ دئییم؟

همه یار دارن و بی یار ماییم،
لباس کهنه در بازار ماییم.
همه دارن لباس کدخدایی،
نمدپوش قلندر وار ماییم.

خوشا امشو که مهمون شمایم،
کبوتر بر لب بوم شمایم.
تُرشروی مکن بر حرف مهمون،
خدا دونه که فردا شو کجایم.

تو که آن سو روی، این سو نگا کن،
گرفتار توام، شرم از خدا کن.
گرفتار توام، هش ماه میشه،
به رنگ زرد من یک دم نگا کن.

اول، چشمان مست خود سیا کن،
دوم، بر چهره زردم نگا کن،
سوم، بنگر، اگر تقصیر دارم،
و چارم، قتل عاشق را بنا کن.

ھامى نىن يارى وادىر، يارسىزىق بىز،
كھنە پالتار تكىن اعتبارسىزىق بىز.
ھامىنىن اگىنىدە گۈر كىملى پالتار،
تيفتىك پالتار بورونن عارسىزىق بىز.

نە ياخشى بو گىجە قوناغام سىزە،
دامىن قىراغىندا دگىرم گۈزە.
قوناغىن سۈزۈنە قاش - قاباق تۈكمە،
آللە بىلىر، صاباخ نە گلير بىزە.

آى اوياندان گىدن، گىتمە، بىردايان،
سەنە وورولموشام، آلاھدان اوتان.
سەنە وورولموشام، اولار سىككىز آى،
سولقون رىنگىمە باخ، سەن بونا اينان.

بىرىنجى، نازلى گۈزلىرىن قارالا،
ايكىنجى، قويما كى، رىنگىم سارالا،
اوچونجو، باخ، اگر تقصيرىم اولسا،
دۈردونجو، عاشقى اۋلدور، پارالا.

نگارا، سرمه بر چشمون خود کن،
مرا سیر از لب و دندان خود کن.
اگر از من بدیدی بی وفایی،
بکش خنجر، مرا قربان خود کن.

مه بالا نشین پایین نظر کن،
کلومی با غریبان مختصر کن.
تو می دونی غریب این دیارم،
غریبون را نوازش بیشتر کن.

اگر یار منی ترک سفر کن،
شتر داری مکن، کار دگر کن.
اگر می خواهی شترداری کنی تو،
برو، یک فکر دلدار دیگر کن!

بیا که، بار کردم، راهیم کن،
نظر بر رنگ زرد کاهیم کن.
مجال دست به گردن نیست ما را،
از اون بوی خوشست همراهیم کن.

دلبریم، سورمه چک گۈزلرینه سن،
دیش - دوداغین گۈستر سیراب اولوم من.
اگر مندن ایلقارسیزلیق گۈرموسن،
خنجرین آل، منی قوربان ائت بو دم.

اوسته اوتوران آی، بیر آشاغا دوش،
غریبلرله بیر نچه کلمه دانیش.
سن بیلیرسن من بورادا غریم،
غریبلره بیر داها ائت نوازش.

اگر ایستکلیم سن سفره گئتمه،
آیری بیر ایش باشلا، سروانلیق ائتمه.
اگر سروانلیغا آلیشمیش سانس،
آیری بیر دلدار تاب، منی آلداتما!

گل، یو کومو چاتدیم، منی یولا سال،
بو سولقون رنگیمی سن نظره آل.
او گۈزل عطریندن منه یولداش وئر،
قول - بویون اولماغا قالمایب مجال.

عزیزم، می روم، همراهیم کن،
نگا بر رنگ زرد کاهیم کن.
اگر چیزی نداری من نمی خوام،
فقط با بوی خوش همراهیم کن.

به بالینم بیا، پرسیان من کن،
علاج درد بیدرمان من کن.
اسیر چشم جادوی تو گشتم،
بیا، شاد این دل نالان من کن.

دو زلفون سیا را چین به چین کن،
مرا در خرمن گل خوشه چین کن.
اگر مهر علی داری به سینه،
خودت انگشترو ما را نگین کن.

تو یار منی، بیا مرا یاری کن،
ما را می برن، تو گریه وزاری کن.
ما را می برن شهر دیگر می فروشن،
پول داری اگر مرا خریداری کن.

عزیزیم، گن‌دیرم، اول یولداش منه،
سولموش رنگیمه باخ، اول سیرداش منه.
بیر شئین یوخ‌دورسا، من ایسته میرم،
او گۈزل قوخوندان قوش هاماش منه.

گۈروشومه گل سن، حالیمی آرا،
علاجسیر دردیمه تاپ گیلن چارا.
آل‌دادان گۈزونه من وورولموشام،
قویما، دردلی گۈنلوم چکیل‌سین دارا.

ایکی قارا تئلینی چین - چین ائیله،
منی خرمنینده خوشه‌چین ائیله.
اگر علی عشقی واردیر سینهنده،
اۋزون اوزوک، منی سه‌نگین ائیله.

سن منیم یاریمسان، منه امداد انت،
منی آپاریرلار، آغلا، فریاد انت.
منی آپاریرلار، قول تک ساتیرلار،
بولون وارسا، منی آلیب آزاد انت.

بیا، کوچکتر از من، دلبر من،
بیا، دست بزار، زیر سر من.
بیا، دست بذار، می خوام بخوابم،
بیا، بنگر، به چشمان تر من.

دو دندانیت طلا باشد، گل من،
نگهبانیت خدا باشد، گل من.
اگر خون مرا پامال سازی،
هنوز از من وفا باشد، گل من.

قد چون سرو تر داری، گل من،
که موها تا کمر داری، گل من.
اگر باشی، دلت با ما همیشه،
مگر یار دگر داری، گل من؟!

سر کوچه هوادار توام من،
در این کوچه گرفتار توام من.
اگر روزی هزار بارت به بینم،
هنوز مشتاق دیدار توام من.

گل، مندن خیر داجا، نازلی دلبر، گل،
گل، منیم باشیمی الین اوسته آل.
گل گیل، الین قوی، ایستیرم یاتیم،
گل، یاش گوزلریمه بیرجه نظر سال.

ایکی دیشین قیزیلداندی، آی گولوم،
ساخلا یانین یاراداندی، آی گولوم.
اگر منیم قانیمی پامال اثتسن،
هله منده وفا واردی، آی گولوم.

منیم گولوم، بویون یاش سروه اوخشار،
منیم گولوم، ساچلارین کمر حاقلار.
من ایله سن اوره کین منله دگیل،
یوخسا اوزگه بیر یار خاطرین ایستر؟!

کوچه نین باشیندا هاوادارینام،
کوچه نین ایچینده گرفتارینام.
اگر هرگون مین یولدا گورسم سنی،
ینه جاندا مشتاق دیدارینام.

مگر دریا نهنگه این دل من،
مگر شیر و پلنگه این دل من.
بزن خنجر تو اندر سینه من،
بین خونس چه رنگه این دل من.

سر دست طلا باشد، ول من،
وجودت بی بلا باشد، ول من.
اگر فکر من بیچاره باشی،
نگهدارت خدا باشد ول من.

دو تا لیمو فرستاده ول من،
برای صبر و آرام دل من.
محبت کرده و زحمت کشیده،
ول بالا بلند خوشگل من.

به بیلاق و به کوهساره ول من،
نداره او خبر از این دل من.
الا ای باد، پیغومی به او بر،
بگو افتاده غربت منزل من.

یوخسا نهنگ سن، آی منیم گۆیلوم،
یوخسا پلنگ سن، آی منیم گۆیلوم.
گۆتور خنجرینی وور سینه‌م اوسته،
گۆر قانی نه رنگدی، آی منیم گۆیلوم.

قولبالارین قیزیل اولسون، سئو گیلیم،
وجودون بی بلا قالسین، سئو گیلیم.
من یازیغین فکرینده اولسان اگر،
ساخلا یانین آلاسه اولسون، سئو گیلیم.

یار منه ایکجه لیمو گۆندریش،
منیم اوره گیمی آماق ایسته‌میش.
الی آغریماسین، چوخ زحمت چکیب،
منیم سرو بویوم نه آنلایا نمیش.

ایستکلیم ییلاقدا، داغلیقدا گزر،
منیم بو گۆنلومدن هئچ توتماز خبر.
آی یئل، پیغامیمی سن یئتیر اونا،
دئنه منیم عؤمروم غربتده گنچر.

گل زرد بیابونه ول من،
زغم آواز می خونه ول من.
زمین را گل بریزین، گل پاشین،
که فرزند بزرگونه ول من.

بلند بالا، به بالات اومدم من،
هوای خال لبهات اومدم من.
شنیدم خال لبهات می فروشی،
خریدارم، به سودات اومدم من.

به روی بوم نگا کن، اومدم من،
دو زلفونت دو تا کن، اومدم من.
به چشمنت بکن تو سرمه سنگ،
برو، شکر خدا کن، اومدم من.

خدا خواسته جفای ول کشم من،
جفای ول، به خون دل کشم من.
خدا حسن جوونی بر تو داده،
که جور یار ناقابل کشم من.

منیم یاریم چۇلون ساری گولودو،
غمەن نغمە اوخویان بولبولودو.
یئر اوستە گول تۇکون، گول سپەلەیین،
منیم یاریم اولولارین اوغلودو.

اوجا بویلوم، سنین یانینا گلدیم،
دوداقداکى خال هاواسینا گلدیم،
اٹشیمیشم خاللارینی ساتیرسان،
آلیجیام، خال سوداسینا گلدیم.

دۇن باخ دام اوستونە، بودوها گلدیم،
ساچلارین اوستەلە، بودوها گلدیم.
گۇزلیرنە سورمە داشی چک کیلن،
آلاها شکر انلە، بودوها گلدیم.

الله ایستر یار جفاسی چکیم من،
یار جفاسین اورە گیمە اکیم من.
آلاه سنی یاراشیقلى یاراتمیش،
یاراماز یاراوستە قان یاش تۇکوم من.

درِ کوچه بیایم در زُنم من،
صدای نازنین دلبر زُنم من،
اگر گوین عزیزت خواب نازه،
شوم گفتار، به دورش پر زُنم من.

سرانداز سرت سرکش کُنم من،
دو چشمویت بینم غش کُنم من.
اگر دونم که بدنامی نداره،
دو دونگ از عمر خود پیشکش کُنم من.

بیا که، از غمت تب می کُنم من،
به محنت روز را شب می کُنم من.
همون بوسی که دادی کنج دالون،
شب وروز یاد آن شب می کُنم من.

سر کوچه نشینی می کُنم من،
به دلبر خرده بینی می کُنم من.
اگر دلبر به من یکرنگ باشد،
تصدق جان شیرین می کُنم من.

قاپىنيزا گلىب قاپىنى چاللام،
سسله يىب يارىمى سراغىن آلام،
دئسەلر ايستكلىن شىرىن يوخودا،
ياھى اوللام، اونا گۇزىتچى دوررام.

باشىنىن اۇرپە گىن باشىما ساللام،
ايكى گۇزون گۇرونجه حالدان اوللام.
اگر بىلسم، رسوايچىلىق گتىرمز،
عۇمرومون ايكى دانگىن ھدىه قىللام.

گل گىلن، غمىندن من قىزدىرىرام،
مىحتدن عۇمرومه غم سوز دورورم.
دالان بوجاغىندا گىزلىن اۇپوشى،
گىنجە - گوندوز يادىمدا گزدىرىرم.

كوچه باشىندا من اوتراق ائدەرم،
يارىما نكتە دانلىق اۇرگە دەرم.
اگر يارىم من ايله مخلص اولسا،
جانىمى جانينا قوربان دىيەرم.

به کوی یار چوپونی کنم من،
چو دلبر آیه، مهمونی کنم من.
بگیرم غوچی از سالار غوچان،
به پیش پاش قربونی کنم من.

بنخون بلبل، جوابت می دهم من،
از این شیشه شرابت می دهم من.
دل تو میل گوشت بره داره،
از این آهو کبابت می دهم من.

شب مهتاب و مهتاب دشمن من،
دو زلف یار طوق گردن من.
خداوندا، تو تاریکی بیاور،
که تاریکی رفیق و همدم من.

بلند بالا نکرده چاره‌ی من،
به هندوستان رسیده ناله‌ی من.
زیسکه ناله‌های زار کردم،
پریده رنگ از رخساره‌ی من.

یارین کۆشیننده چوبان گئدرم،
یار اورا گلنده قوناق ائدەرم.
توتارام قوچلارین هاردا بیرینی،
آیاغی آلتیندا قوریان ائدەرم

اوخو بولبول، جوابینی وئره‌رم،
بو شیشه‌دن شرابینی وئره‌رم.
سنون گۆیلون قوزو کبابی ایستر،
بو آهودان کبابینی وئره‌رم.

گئجه آی ایشیغی منیم دشمنیم،
یارین قوشا ساچی طوق گردنیم.
آلاهییم، سن قارانلیغی تئز یئتیر،
قارانلیقدیر منیم دوستوم، همدیم.

اوجا بویلوم، منه چاره قیلما دین،
نالیم گئتدی هندوستانا، دویمادین.
اوقدر اینله‌دیم، گۆز یاشی تۆکدوم،
منیم سولدوغومو وجه آلمادین.

من می‌روم و نمی‌رود همراه من،
بی‌وقت شده کوه و بیابان ره من.
مرغان هوا نعره زنن بر سر من،
من نعره زنم: کجا شده همراه؟!

برو مرغ سفید خونه‌ی من،
حلالیت باشه آب و دونه‌ی من.
به هر جا می‌روی منزل بگیری،
بکن یاد از دل دیوونه‌ی من.

سر کوه بلنده خونه‌ی من،
فلک تیری زده بر شونه‌ی من.
از این تیر فلک پروا ندارم،
کجا شد منزل جاودانه‌ی من؟!

فدای مقدمت، ای یار شیرین،
مزن آتش به جانم بیشتر از این.
دگر تاب فراق را ندارم،
چه سازم، نیست طاقت بیشتر از این.

من گندیرم، گلمیر منیم یولداشیم،
گنجه اؤتموش، من داغ داشدان نئجه آشیم.
گوئی قوشلاری اوستومه هایخیرلار،
من هایخیررام، هانی منیم هاماشیم!؟

اوچ، گنت، آی انویمین آغ قوش جیغازی،
حلال اولسون سنه وئردیگیم روزی.
هر ینره گندیرسن، مسکن توتورسان،
ائيله منیم دلی گؤنلومو آرزی.

اوجا داغ باشیندا منیم انویم وار،
فلک بیر اوخ وورموش چیگنیمه، اینلر.
فلکین اوخوندان هئچ قورخوم یوخدور،
نه اولدو بس یاریم یاشایان انولر.

گلیشینه قربان شیرین جانانیم،
رحم ائت، بوندان آرتیق قویما من یانیم،
سنین فرقتینه دؤزه ییلمیرم،
نه ائدیم، بوندان چوخ یوخدور توانیم.

گل سرخ و سفیدیم، هردو تامون،
زدنیا ناامیدیم، هر دو تامون.
تو این دنیا تو را بر من نمیدن،
تو اون دنیا شهیدیم هردو تامون.

اگر مردیم، بمیریم هر دو تامون،
بکنن جفت قبری از برامون.
بکنن جفت قبری بر سر راه،
بگریه دوست و دشمن از برامون.

اگر مردیم، بمیریم هردو تامون،
ببندند قبر جفتی از برامون.
اگر مردیم، بمیریم موسم گل،
گل و بلبل نشینند در عزامون.

ندونم سبب تر، یا غبغب است این،
شکر پاره ست و بادام، یا لب است این،
به دور صورتت صف بسته گیسو،
مرا دلبر، قمر در عقرب است این.

آغ - قیرمیزی گوللریک هرایکیمیز،
هرایکیمیز دنیا دانیق امیدسیر،
بو دنیا دا سنی منه وئرمز لر،
او دنیا دا شهیدیک هر ایکیمیز.

اگر اؤلسک، قوی اؤلک هرایکیمیز،
یان با یان قازیلین قوشا قیریمیز.
یان با یان قازیلین یول قیراغیندا،
آغلا سین دوست - دشمن، باغیشلانا ق بیز.

اگر اؤلسک، قوی اؤلک هر ایکیمیز،
قوشا قبره قویولا ق هر ایکیمیز.
اگر اؤلسک، اؤلک گول موسمینده،
گولله بولبول توتسونلار ماتیمیز.

بیلیمیرم آلمادی، یا بوخاقدی بو،
شکر بورادی بو، یا دوداقدی بو.
ساچلارین سالییدی اوزونه حلقه،
آی ازولو یاریمدان چوخ ایراقدی بو.

خروسا، بی پر و بی بال گردین،
همیشه ناخوش و بیحال گردین.
از اون وختی که یار من می یایه،
اگر خواهین بخونین لال گردین.

شما که مردمان این دیارین،
مگر رسم مسلمونی ندارین.
از آنجایی که دلبر می خورده آب،
برایم جرعه آبی بیارین.

فدای مقدمت، ای جان شیرین،
مزن آتش به جانم بیشتر از این.
دگر تاب فراق را ندارم،
چه سازم، نیست طاقت بیشتر از این.

به قریون همون راه رفتن تو،
به قریون تو شیراز گشتن تو.
شب و روزم ستاره می شمارم،
برای خاطر بر گشتن تو.

خوروزلار، سیزلرین قانادی سینسین،
وجودوزو مرض، حالسیزلیق آلسین.
یار بیزه گلنده اوخوسوز اگر،
بوغازیز بیرتلسین، دیلیز لال اولسون.

سیزلر که بوئرین آداملاری سیز،
میة مسلمانلیقدان سیز بری سیز.
اوردان کی، نازلی یاریم سو ایچردی،
منه ده بیرجه قورتوم سو گتیرین.

گلیشینه قوربان، آی شیرین جانیم،
آماندیر بوندان چوخ قویما من یانیم.
سنین فراقینا دوزه بیلیمیرم،
هاچانا جان بو محنته دایانیم.

قوربان اولوم، سنین یثیشینه یار،
شیراز شهرینده اولوشونا یار.
گنجه - گوندوز اولدوزلاری سانارام،
انتظارام، سنین گلیشینه یار.

دلُم می خواد بیايُم خونه تو،
ببینم، لونه و کاشونه تو.
بیايُم خونه و خونه نباشی،
بگردم، دور خلوت خونه تو.

به دل گفتم، به خوبان آشنا شو،
نگفتم، مایل هر بی وفا شو.
اگر خواهی که با ناکس نشینی،
نمی سازی به من، از من جدا شو.

ستاره آسمون می شمارم امشو،
به بالینم میا، بیمارم امشو.
به بالینم میا، که کشته میشی،
تموم دشمنان بیدارن امشو.

خداوندا، دلم کو، دلبرم کو؟
مرا افسانه کرد، افسونگرم کو؟
به دامن گاه ریزد اشک از چشم،
دریغا، دانه های گوهرم کو؟

اوره گیم ایسته ییر، گلیم ائونیزه،
باش چکیم، ائونیزه- ائشیگینیزه.
گلیم، ائونیزده اولماسان اگر،
دولانیم ائو آرا خلوتینزه.

دئدیم: گؤنول، گؤزلرله تانیش اول،
دئمه دیم کی، هرایلقارسیزلا خوش اول.
ایسته سن کی، ناکسلرله اولاسان،
منه یارامازسان، اونلارلا توش اول.

گنجه اولدوزلاری گؤیده ساییرام،
گلمه، باشیم اوسته، آزارلاییرام.
گلمه باشیم اوسته، اؤلدورولرسن،
دشمنلر آیققدیر، بونو قانیرام.

آی آلاهییم، گؤنول هانی، یار هانی؟
منی اووسونلایان فسونکار هانی؟
گاهدان اتگینه تۆکر گؤز یاشی،
حیف اول، داغیلان یاقوتلار هانی؟

ستاره سر زده از دامن کو،
دوازده دختر و مو یکه چوپو.
به قربون کریمی خداشم،
نمی دونم، کدوم گل را کنم بو؟!

بزن نی را که، غم داره دل مو،
بزن نی را که، دوره منزل مو.
بزن نی را، مقامش را نگردون،
که دور افتاده یار همدل مو.

بُـلن بالـا، به بالـات آمـدُم مو،
برای خال لبـهات اوـمـدُم مو.
شـنـیدم خـال لبـهات مـی فروشی،
خـریـدارُم، به سوـدات آمـدُم مو.

تو که رفتی، نگفتی چون کنم مو،
در این غربت، نظر بر کی کنم مو.
گل خوش رنگ و خوشبویم تو بودی،
گل پس مونده را کی بو کنم مو!

اولدوز باش قالدیردی، داغ اتکیندن،
اون ایکی دانا قیز، بیرجه چویان من.
آللاه، سنین کرمینه قوربانام،
هئچ بيلمیرم، هانسی گولو اییله یم؟!

نئی دینلت، غمیم واردیر گؤنولده،
نئی دینلت، ائویم وار اوزاق ائلده.
نئی دینلت، هاواسینی دگیشمه،
اوزاق دوشوب مندن نازلی همدل ده.

اوجا بویلوم، بویونجا من اوجاللام،
دوداقلارا قونان خالدان باج آلام.
انشیتیمیشم، خاللارینی ساتیرسان،
مشریه م، ایشی آواندا ساللام.

سن گئتدین، دئمه دین، بس من نیله یم،
بو غربت دیاردا کیمی دینله یم.
منیم عطیر ساچان گولوم سن ایدین،
بو سارالمیش گولو نجه اییله یم!

ز عشقت باد در نی می کُنم مو،
دو دس در گردنت کی می کُنم مو.
دو دس در گردنت امروز و فردا،
که کار عاشقی طی می کُنم مو.

از این کوچه به دو - دو می روم مو،
به پابوس گل نو می روم مو.
اگر دانه گل نو مال مایه،
سه منزل را به یک شو می روم مو.

بُلن بالا، بلندت کرده یُم مو،
دری کوچه پسندت کرده یُم مو.
ترش بودی، مثال آب غوره،
مثال نرمه قندت کرده یُم مو.

غریبی را قناعت کرده یُم مو،
چطو ترک ولایت کرده یُم مو.
هلا مردم، نمی دونین بدونین،
که آقام را زیارت کرده یُم مو.

سنین عشقینده باخ، من نئی چالیرام،
ایکی قول بوینونا هاچان سالیرام.
ایکی قول بوینونا بوگون یا صاباح،
عاشقلیک ایشینده آد آراییرام.

بو کوچه دن قاچا - قاچا گنده رم،
اؤپوشلری ساچا - ساچا گنده رم.
اگر بیلسم تازا گول منه چاتار،
اوزون یوللار اوچا - اوچا گنده رم.

اوجا بویلوم، سنی من چوخ اوجالتدیم،
سنی گۆردوم، درحال مرادا چاتدیم.
قورا سویو کیمی یامان ترش ایدین،
سنی دؤیوب نارین قنده اوخشاتدیم.

غریبلیگه قناعت ائیله دیم من،
ننجه ترک ولایت ائیله دیم من.
آهای بیلمه ینلر بیلسینلر بونو،
که آقامی زیارت ائیله دیم من.

ز وختی رفته ای، توو کرده یُم مو،
به خواری روزها شو کرده یُم مو.
همو شوها که با هم نشستم،
بسی یاد او شوها کرده یُم مو.

بلن بالا، به کوها مونده یُم مو،
بغل بگشا، که سرما خورده یُم مو.
بغل بگشا، مرا کنج بغل گیر،
که دیشو در بیابون مونده یُم مو.

دوتا نار و دوتا سیب و دوتا به،
ببر، هرشیش تا ره با دلبرم ده.
بگو، دلبر سلامت می رسونه،
بیا، بار دیگر لب بر لبم نه،

هنر از نقره و از کان زر به،
هنر از مال و میراث پدر به.
هنر دارم، ولی طالع ندارم،
اگر طالع نباشد، باز هنر به.

سن گنئدین، تک لیگه من تاب. گتیردیم،
مذلتله بیر چوخ گونلر ایتیردیم.
او سنله اولدوغوم خوش گنجه‌لری،
یادا سالیب، عؤمرو باشا ئیتیردیم.

اوجا بویلوم، من داغلاردا قالمیشام،
آچ قوینونو، یامان سویوق آلمیشام.
آچ قوینونو، منی آل قوجاغینا،
دوئن گنجه من چؤللرده اولموشام.

ایکی آلما، ایکی هیوا، ایکی نار،
هر آلتی دانانی یاریما آپار.
دینه یارین سلام گؤندر دی سنه،
گل، دوداغینی قوی دوداغیما، یار.

قیزیلدان، گوموشدن هنر یاخشیدیر،
آتانین واریندان هنر یاخشیدیر،
هنرین وار ایسه، طالعین یوخسا،
طالع ده اولماسا، هنر یاخشیدیر.

در این صحرا مرا گرما گرفته،
غم عالم مرا تنها گرفته.
غم عالم همه می گن دو روزه،
غم من دم به دم بالا گرفته.

شنیدم، یار من یاری گرفته،
مرا ول کرده و خاری گرفته.
اگر مثل من، کاری نکرده،
اگر بعض من، خیرش ببین.

سه ماه مسلم است، یارم رفته،
شاخ از چمن و گول از کنارم رفته.
این خانه اگر بهشت و جنت باشد،
بیزارم از این خانه، که یارم رفته.

از کوچه گذر کنم، می بینمته،
احوال دل سوخته می پرسمته.
احوال دل سوخته پرسیده نشد،
صد سال گذره، دختره می گیرمته.

بو چول آرا منی ایستی ووروبدی،
دنیا غمی منی یالقیز گوروبدی.
هامی دئییر دنیا غمی گئدرگی،
منیم غمیم منله هاماش اولوبدی.

اښیتدیم، سئو گللیم اؤز گه یار تاپیب،
تیکاندان پاپیشیب، اؤز گولون آتیب،
منه اوخشاسا او، هئچ ایش گورمه ییب،
مندن یاخشی اولسا، مرادا چاتیب

اوچ آی باش بوتوندی، ایستکلیم ایتمیش،
گول بوداغیم منله آیریلیق قاتمیش.
بو ائو اگر بهشت برین اولسا،
بنزیکم بو ائودن، ایستکلیم گتمیش.

کوچه دن گئچنده گورورم سنی،
یانیقلی گؤنولدن سورورام سنی.
یانیقلی گؤنولدن خبر اولماسا،
یوز ایل ده گئچسه، قیز، آیرام سنی.

دوتا سیب و دوتا نارو دو غنچه،
فرستادم برایت یار نوچه.
دو تار موز زلفونت جدا کن،
که بندم یاد گاری بر کمونچه.

از این کوچه گذر کردی، برای چه؟
دل تنگم خبر کردی، برای چه؟
به روی زخم خود خوابیده بودم،
تو زخمم تازه تر کردی، برای چه؟

غم دوریت مرا رنجور کرده،
به مردن راضی و مجبور کرده.
که هرچند می کنم من صبر و طاقت،
مرا از صبر و طاقت دور کرده.

از دور به ناز آمدنات بیهوده،
انگشت به لب گزیدنات بیهوده،
انگشت به لب گزیده ای فهمیدم،
دل دادن و پا کشیدنات بیهوده.

ایکی آلمان، ایکی غنچه، ایکی نار،
گۆندر دیم بونلاری من یارا نوبار.
ایکی تئل ساچلاریندان آییرارسان،
تاریما باغلارام اولسون یادگار.

بو کوچه دن گنچر اولدون، نه اوچون؟
اورک آغریم سنجر اولدون، نه اوچون؟
یارامین اوستونده من یاتمیش ایدیم،
سن یارامی دئشر اولدون، نه اوچون؟

آیریلیغین غمی منی چاشدیریر،
اؤلکمک آرزوسیلہ یاخینلاشدیریر.
هر نه چالیشیرام دؤزوملو اولام،
منی دؤزومودن اوزاقلاشدیریر.

اوزاقدان ناز ایله گلدیگین یئرسیز،
بارماق دوداغینا آلدیغین یئرسیز.
بارماق دوداغینا آلماقدان بیلدیم،
گۆنول وئریب، آباق چکدیگین یئرسیز.

دو پای دلبرم خلخال داره،
عجب حال و عجب احوال داره.
به دستش جفت دستبند طلايه،
سر کتف چپش یک خال داره.

ولم از در دراومد، کاسه داره،
دو چشم نیمه مست خاصه داره.
اگر روزی دوصد بارش ببینم،
هنوزم این دلم تلواسه داره.

خودت گفתי که وعده در بهاره،
بهار اومد، دلم در انتظاره.
بهار هرکسی عید است و نوروز،
بهار عاشقون دیدار یاره.

به هر شهری هزاران گلغذاره،
به هر گامی دوصد زیبا نگاره.
نمی دونم، دل دیوانه من،
چرا از دوری تو بیقرااره.

یارین توپوقلاریندا خالخالی وار،
اونون عجیبه بیر حال - احوالی وار.
قولونا تاخییدیر، قیزیلدان قولباق،
سول چیگنی اوستونده بیر تک خالی وار.

یاریم گیردی ائوه، الده کاساسی،
ایکی سرخوش گوزو، گوزلر خاصاسی.
اگر هر گون اونو یوزدفعه گورسم،
گئنه اوره گیمده وار تالواساسی.

اؤزون دئدین، کی وعده میز باهارد،
باهار گلدی، اوره گیم انتظاردا.
هر کسین باهاری اونا بایرامدی،
عاشقین باهاری، یار هارد، اورد.

هر شهرین مینلرله گول اوزلوسو وار،
هر قدمده ایکی یوز گوزل نگار.
بیلیم بو منیم دیوانه گونلوم،
نچون آیریلیقدان اولموش بیقرار.

قدت مثل گل و چشمت خماره،
دو رخسارت سفید و بی غباره.
به دل گفته بودم: پشت و پناهم،
شدم از عشق تو بی اختیاره.

الا دختر، که رویت چون اناره،
دو چشمون تو روز و شو خماره.
دو زلفونت چو شاخ قوچ جنگی،
به خونریزی عاشق گرم کاره.

خبر اومد که دشتستون بهاره،
زمین از خون احمد لاله زاره.
خبر ور مادر پیرش رسانین،
که احمد یک تن و دشمن هزاره.

زبس مهر رخت عالم فروزه،
جهان را ول، به مهرت سینه سوزه.
فلک را شیوه دایم این چنینه،
که هر دم چشم امیدی بدوزه.

بویون گول کیمیدیر، گوزون خوماردیر،
یاناقلارین آلمانا تک بی غباردیر.
گۆنلومدن ایسته دیم: دایاغیم اولسون،
سنین عشقینده او بی اختیاردیر.

آی قیز، اوزون انله بیل کی، اناروی،
ایکی گوزون گئجه- گۆندوز خوماردی.
ایکی ساچین قوچ بویوزونا اوخشار،
عاشق اۆلدورمکده ایشه هاماردی.

خبر گلدی دشتساندا باهاردی،
احمدین قانیندان یئر لاله زاردی.
قوجا آناسینا خبر آپارین،
احمد بیر اوزودو، دشمن هزاردی.

اوزونون گونشی ایشیق سیمکده،
ایشیغین عالمه آلوو ساچماقدا.
فلکین قایداسی بو دور ازلدن،
هر آندا بیر امید گوزون اورتیمکده.

نگارینم دم دروازه جاشه،
حریر نرم کاشونی قباشه،
به لب گفتم: بیا، بوسی به من ده،
اشارت کرد و گفت: اینجا نه جاشه!

دلم اندر غریبی وا نمی شه،
یکی همدرد من پیدا نمی شه.
یکی همدرد من قفلای رومی،
کلیدش گم شده، در وا نمی شه.

الهی، شو همیشه، شو همیشه،
شکسته شیشه و پیون نمی شه.
شکسته شیشه چون طفل یتیمی،
که باباش مرده و زنده همیشه.

سیبی که تو داده ای، تمامش خاله،
یک روز جدائیت به من دشواره.
سوگند بخورم، ولی تو باور نکنی،
این چهره زرد من گواه حاله.

ایستکلیم اوتوروب قاپی یانیندا،
کاشان ایپگیندن دون وار اگینده.
دوداق آلتی دندیم: منه بیر اؤپوش،
اشاره ائيله‌دی: بیر اؤزگه وعده!

گونول غربت آرا هنجوقت آچیلماز،
منه همدرد بیری هنجوقت تاپیلماز.
منیم همدردیم اورومی قفلدیر،
آچاری ایتیدیر، هنجوقت تاپیلماز.

ایلاهی، گنجه گلمز، گنجه گلمز،
شوشه سینمیش اولسا، بیرده دوزلمز.
سینق شوشه یتیم اوشاغا بنزهر،
آتاسی اؤلموشسه، بیرده دیر یلمز.

سن وئردیگین آلمان، بوتون خالخالدی،
بو اوزون آیریلیق جانیمی آلدی.
من آنداچیرمسه، سن اینا نمیرسان،
منیم سولغون بنزیم شاهد حالدی.

سر شو بید، فرستادم، دو لاله،
نشستم، تا خروس اومد به ناله.
دلم از میوه باغ تو می خواست،
به باغ دیگرم دادی حواله.

گل سرخ و سفیدم هردو لاله،
به چشمان تو دارم آه و ناله.
اگر یک شب شوی مهمان به پیشم،
خودم ساقی شوم، چشمم پیاله.

دو چشموئم دم دالون مدامه،
نگاهم انتظار صبح و شامه.
دو نیم از شو گذشته و ول نیومد،
خداوندا، که عمر من تمومه.

دوچشموئم دم دالون مدامه،
دل من انتظار صبح و شامه.
شب از نیمه بشد، یارم نیومد،
دیگه این زندگی بر من حرومه.

آخشام اوستو گۆندردىم ايکى لاله،
اوتوردوم کى، خوروز اوجالتسين ناله.
گۆنول سنین باغیندان میوه ایستر،
باشقا بیر باغا سن وئردین حواله.

بیر آغ، بیر قیرمیزی گول، ايکى لاله،
سنین گۆزلریندن چکه‌رم ناله.
اگر بیر گنجه اولسان سن قوناغیم،
اۋزوم ساقى اوللام، گۈزوم پیاله.

ایکى گۈزوم دایم دالانا باخار،
گۈزو یولدا اولماق یاندىریب یاخار.
گنجه اۋتدو، یاریم گلیب چیخمادی،
آلاهیم، عۋمروم لاپ فنایا آخار.

ایکى گۈزوم دایم دالانا باخار،
امانسیر انتظار گۈنلومو یاخار.
گنجه یاری اولدو، یاریم کلمه‌دی،
بوش عۋمور سورمکدن منه نه چیخار.

او مد اجل و برد دلارام منه،
برهم زده رفت، عید و ایام منه.
از دست اجل نه خویش دارم، نه تبار،
فریاد خدا، نه تیر دارم، نه بهار.

نویسم بر درو دیفال خانه،
بمونه از من مسکین نشانه.
اگر پرسن که معشوقت کجایه،
بگو، بگریخته از ننگ زمانه.

سلامت می کنم، از دور، از دور،
سلامت می کنم، ای خرمن گل.
سلامت می کنم، باشی سلامت،
سرو جانم فدای یک کلامت.

نویسم بر درو دیوار خونه،
بمونه از من مسکین نشونه.
ازون ترسم که در زندون بمیرم،
گلم در دست نامردون بمونه.

اجل گلدی، دلارامیم آپاردی،
قاتیشدیردی، خوش ایامیم آپاردی.
قوھوم قیللہ یه یاد ائتدی منی،
آمان آلاھ، یای - باھاریم آپاردی.

یازارام من، ائوین قاب - باجاسینا،
قالسین من یازیقدان بلکه نشانا.
اگر سوروشسالار معشوقون هاردا،
دە، قاچیرتدی اونو جور زمانا.

سلام گۆندریرم، اوزاقدان سنه،
سلام گۆندریرم، گول خرمنینه.
سلام گۆندہ ریرم، سلامت قال سن،
باشیم - جانیم قوربان بیر تک سۆزونه.

یازارام، بو ائوین قاب - باجاسینا،
من یازیقدان بلکه قالا نشانا،
قورخوم بودور زنداندا دوشم اۆلم،
گولوم قالا نامردلر اومودونا.

اگر این درد دل وَر من بمونه،
از اون ترسم که جون من نمونه.
اگر درددلم با کوه گویم،
از اون ترسم که کوه حیرون بمونه.

قد و بالات به سرو ناز مونه،
دو چشمنت به چشم باز مونه.
لب و دندون شیرین که تو داری،
به شربت خونه شیراز مونه.

رسیدم بر غدیر پر ز آبی،
لبم بد تشنه و قلبم کبابی.
که ناگه چشم من بر دلبر افتاد،
فراموشم بشد از خوردن آبی.

به کام دل پیوردم درختی،
که در سایه اش بشنیم گاه وختی.
خزون اومد درختم ریشه کن کرد،
که من طالع نداشتم هیچوقت.

بو درد دل اگر قالاسی اولا،
قورخورام جانیمی آلاسی اولا.
اگر من دردیمی داغلارا دنسم،
قورخورام داغلاری حیرته ساللا.

اوجا بوی - بوخونون لاپ سرو اؤزودور،
ایکی آلا گوزون شاهین گوزودور.
سنین او بال کیمی دیشین - دوداغین،
شیراز داکی شربت خانا اؤزودور.

یئتیشدیم چوخورا - سویونان دولو،
دوداقلار قوپ - قورو، اورک قوورولو.
آنمادان گوزلریم یارا ساتاشدی،
اونوتدوم بیر باشا سوسوزلوغومو.

گونول آرزوسيله بیر آغاج اکدیم،
گولگه سینده دینجلمه یه گوزتیکدیم.
خزان گلدی، آغاجیمی سیندیردی،
اؤز بختیمدن، طالعیمدن من بیندیم.

خداوندا، به خر اوسار دادی،
به هر ناکس رسیدی، یار دادی.
خیارای ترو سبز بهاری،
ز موجودات بر گفتار دادی.

محبت کردی و رات دور کردی،
مرا کشتی و خود رنجور کردی.
خودت کشتی برای مال دنیا،
مرا از غصه و غم کور کردی.

سفر کردی، سفر را دور کردی،
خودت رفتی، مرا رنجور کردی.
سفر کردی برای مال دنیا،
چراغ هر دو چشمم کور کردی.

بوسوزی، مشت دستم باز کردی،
کی را دیدی، که بر من ناز کردی؟
کی را دیدی، که از من بهتر بود،
کبوتر گشتی و پرواز کردی.

آللاھیم، انشگه اووسار وئریسن،
هر ناکسی گوروب بیر یار وئریسن.
یارانمیشلار ایچره قوجا کافتارا،
یئمگه یام- یاشیل خیار وئریسن.

محبت ائیله دین، اوزاغا گئتدین،
منی اۆلدوردون، اۆزونو خسته ائتدین.
اۆزونو اۆلدوردون دنیا مالی چین،
گۆزلریم کور قویوب، مراد ایتدین.

سفر ائتدین، یامان اوزاغا گئتدین،
اۆزون گئتدین، منی دلخسته ائتدین.
سفر ائتدین دنیا مالیندان ساری،
ایکی گۆزوم چراغینی کور ائتدین.

یاناسان، اووجومون ایچینی آچدین،
کیمی گۆردون مندن چکیندین، قاچدین؟
کیمی گۆردون مندن آرتیق بگندین،
گۆیرچین اولوبان گۆیلره اوچدون.

برفتی بی وفا یادُم نکردی،
به کاغذ نامه‌ای شادُم نکردی.
به مکتبخانه عشق تو بودم،
سبق دادی و استادُم نکردی.

نگارا، یک شبی یادُم نکردی،
به پیغام و سلام شادُم نکردی.
ترا من خانه امید خواندُم،
مرا تو خانه آبادُم نکردی.

به باغ رفتی، خبر دارُم نکردی،
به گل چیدن چرا یادُم نکردی؟
میون دوست و دشمن خواب بودم،
چرا از خواب بیدارُم نکردی؟

لب بوم اومدی، رخ تازه کردی،
قدت را با قدم اندازه کردی.
تو که پوشیده‌ای رخت عروسی،
مکش سورمه، که داغم تازه کردی.

گفتدین، ای ایلقارسیز، یادا سالمادین،
بیرتکه کاغاذلا گۆیلوم آلمادین.
عشقین مکتیبندە اوختودون منی،
درس اؤرگتدین، اوستادلیغا قویمادین.

گۆزەلیم، منی سن یادا سالمادین،
پیغام گۆندەرمەدین، سلام آلمادین.
سنی من اؤزومە امید سانیردیم،
منی شاد ائتمەدین، منە یانمادین.

باغا گئتدین، نیه منە دئتمەدین،
گول درندە منی یاد ائیلەمەدین؟
دوست دشمنلر ایچیندە یوخلا میشدیم،
نیە منی اویاتماق ایستەمەدین؟

دام اوستونە گلیب، اوز تازالاسان،
بویونو، بویوملا اندازالاسان.
سن کی، گئینمیش سن گلین پالتاری،
سورمە چکمە، دردیمی تازالاسان.

به پیش بوم بدیدمُ قد بلندی،
نشد فرصت، که اندازمُ کمندی.
کشیده گاه دست و گاه بازو،
برای یک غریب مستمندی.

سر آب روان بنشسته بودی،
دو انگشت بلورت شسته بودی.
سلام کردم، علیکم پس ندادی،
مگر در کافرستان گشته بودی؟

قدت با سلب مونه در بلندی،
لبت با غنچه مونه چون بخندی.
ترا بابات به دولت می فروشه،
خریدارت منم، گر می پسندی.

زعشقت ترک سر کردم، چی سودی،
به جان قطع هنر کردم، چی سودی.
به خاکستر نشستم تا به زانو،
که من خانه به سر کردم، چی سودی.

دام اوسته ائیدیم، بیر اوجا بویلو گۆردوم،
فرصت ائلمه دیم کمند آتایدیم.
گاه الین اؤلچوردو، گاه داقولونو،
یازیق غریبی اوندان قورتارایدیم.

آخار سو باشیندا اوتورموش ایدین،
بولول بارماقلارینی یوموش ایدین.
سلام وئردیم، جوابینی وئرمه دین،
یوخسا کافرستاندا گزمیش ایدین؟

بو یون اوجالیقدا سروی آندیریر،
دوداغین گولنده، غنچه یم دئییر.
سنی آلاسیام، اگر بگنسن،
آتان سنی پولا ساتماق ایسته یر.

عشقینده باشیمدان گئچدیم، نه فایدا،
جانندان صرف نظر ائتدیم، نه فایدا.
کول ایچره اوتوردوم دیزیمه قدر،
اؤزوم خانه خراب ائتدیم، نه فایدا.

الا یار جان، مرا بیچاره دیدی،
سر آستین من را پاره دیدی.
نک آستین من پاره چی باشد،
خوده اوشیار مره دیوانه دیدی.

از اون روزی که ما را آفریدی،
به غیر از معصیت از ما ندیدی.
خداوندا، به خاطر خدائیت،
زما بگذر، شتر دیدی ندیدی!

نگارا، میروی لنگر نداری،
مگر عشق مرا باور نداری.
چنو که میروی، اینور نگا کن،
زعشقت مرده یم، باور نداری.

بیا جانم، که جانم را تو داری،
کلید خانمانم را تو داری.
تموم جان مو گشته جراحات،
بیا جانا، که درمونم تو داری.

ایستکلیم، سن منی بیچارا ساندین،
قوللاریم آغزینی سن پارا ساندین.
قوللاریمین آغزی هله بیر یانا،
اۋزون آییق، منی دیوانا ساندین.

اوگوندن کی ییزی یاراتمیسان سن،
گناهدان باشقا بیزدن گۆرمه میسن.
آی آلاهییم، آلاهیغین خاطره،
بیزدن واز گئیچ، دوه گۆردوم، دئمه سن!

گۆزه‌لیم، گئدیرسن آباق سالمیرسان،
یوخسا منیم عشقیم وجه آلمیرسان.
ایندی کی گئدیرسن، دؤن بویانا باخ،
عشقیندن اؤلموشم، سن اینانمیرسان.

گل جانانیم، جانیم سنین الینده،
بوتون خانمانیم سنین الینده.
تامام بدنیمی یارا قوماریب،
گل کی، جان درمانیم سنین الینده.

تو که بالای بوم گهواره داری،
هنو من عاشقم، تو بچه داری.
به عهد ماه و خورشید و ستاره،
امید دارم که برگردی دوباره.

نگارا، بر دلم غم می گذاری،
نمک بر روی زخمم می گذاری،
نمک بالای زخمم سوزناکه،
قدم در خانه یم کم می گذاری.

نبود روزم به غیر بی قراری،
شبا بیداری و افغون وزاری.
به من سوزه، دل هردور و نزدیک،
تو از سنگین دلی پروا نداری.

دلم می خواد که دلسوزم تو باشی،
چراغ و شمع و پیه سوزم تو باشی.
دلم می خواد که در شبهای مهتاو،
همون ماه دل افروزم تو باشی.

سن دامین اوستونده بئشیک قورموسان،
من عاشقم، سن سه آنا اولموسان.
آند اولدوزا، گونشه، آیا،
هله گوزله بیرم، سن قاییداسان.

نگاریم، گؤنلومه غم اله بیرسن،
یارامین اوستونه دوز چیله بیرسن.
یارامین اوستونو دوز آجیشدیرار،
گل - گئدین ائویمه آرائله بیرسن.

گنچیری گونلریم قارسیزلیقلا،
گنجه اویاقلیقلا، ناله - زارلیقا.
منه هر گؤره نین اوره گی یانیر،
سن اوره گین یانماز اوتانمازلیقلا.

گؤیلوم ایستر، آجییانیم اولاسان،
ایشیق ساچان چراغبانیم اولاسان.
گؤیلوم ایستر، آی ایشیقی چیناندا،
اوره گیمده پارلایانیم اولاسان.

چرا در بام خود بالا نمی‌شی؟
چرا از حال من جو یا نمی‌شی؟
تو می‌گویی که من مانند مجنون،
اگر مجنون منم، لیلا نمی‌شی؟

الا دختر، تو سرو توی باغی،
چرا با ما عزیزم، بی دماغی.
تو ماه بی قرین آسمونی،
دل تاریک ما را شو چراغی.

اگر ماهی، به زیر ابر تا کی؟
مسلمان شو، به دین گیر تا کی؟
اگر دونی که عاشق کشتی هس،
بکش، ای گبریدین، صبر تا کی؟

-الا دختر، تو را مایم چه میگی،
چرا بر قوم و خویشانم نمیگی؟
-اگر بر قوم و خویشانم بگویم،
مرا بر تو نمیدن، تو چی میگی؟

نیه اؤز دامیندا دورا بیلیمیرسن؟
نیه منیم حالیم سورا بیلیمیرسن؟
هر سؤز باشی منه مجنون دئییرسن،
من مجنونسام، لیلا اولا بیلیمیرسن؟

آی قیز، باغ ایچینده سرو آغاجیسان،
نیچون ییزلر ایله سن بایاغیسان.
سن گؤیون مثلسیز پارلاق آیی سان،
دوتغون اورکلرین شب چراغی سان.

آیسان اگر، بولود آلتدا قالما، گل،
مسلمان اول، آتش پرست اولما، گل.
اگر بیلسن عاشق اولدورمه لیدیر،
آتش پرست، اولدورگیله، دورما، گل.

- آی قیز، سنه مایلم نه دئییرسن،
نیچون بونو اقریانا دئمیرسن؟
- اگر بونو قوم - اقریاما دئسم،
منی سنه وئرمسه لر نئیلرسن؟

به قریونت بشم، ای یارجونی،
بنفشه میکنی، جون می ستونی.
به قریون بنفشه کندن تو،
که دوس را جای دشمن می نشونی.

گل و گل غنچه بودی، یارجونی،
هنوزم بچه بودی، یارجونی،
بسی زحمت به پای تو کشیدم،
نصیب غیر بودی، یارجونی.

گل سرخ و سفید زعفرونی،
منم همرا ببر، ای یارجونی.
منم همرا ببر، قربان خود کن،
که بلکه این سفر تنها نمونی.

گل سرخم، تو شاهون گلونی،
چرا سنگین دل و نامهربونی؟
به وقتی غنچه بودی، بو نداشتی،
حالا که گل شدی، با دیگرونی.

سنه قوربان اولوم، آی نازلی یاریم،
بنفشه دردیکجه آلیرسان جانیم،
بنفشه در دیگین فداسی، اوللام،
دشمنی دوست ایله دگیش، سلطانیم!

قونچایدین، گول ایدین، سن نازلی یاریم،
هله خیرداجایدین، سن نازلی یاریم.
چوخلو سنین زحمتینه قاتلاشدیم،
اؤزگه سینه چاتدین، سن نازلی یاریم.

آغ گول، قیرمیزی گول، زعفرانی گول،
منی اؤزونله آپار، ای عزیز دل.
منی اؤزونله آپار، قوربانون اولوم،
اوزون سفر سنه اولماسین مشکل.

قیزیل گولوم، سن گوللرین شاهیسان،
نه دن داش اورکلی، دودورقایسان؟
اونداکی قونچایدین عطرین یوخ ایدی،
ایندی گول اولموسان، اؤزگه لرنن سن.

دلدار مرا گفت: چرا غمگینی؟
در قید کدام دلبر شیرینی؟
بر جستم و آینه به دستش دادم،
گفتم که در آینه که را می بینی؟

الا دختر، تو خورشید زمینی،
چرا با عاشق خود این چنینی؟
همه خوبون ندارن این همه ناز،
همه ش نازه، چه وایسی، چه نشینی.

تو که بالابلند و نازنینی،
تو که شیرین لب و عشق آفرینی.
بیا، بنشین کنارم بوسه ای ده،
که فردا با غمم تنها نشینی.

بر یار ستم مکن، که بی یار شوی،
بسیار طلب مکن، به کم زار شوی.
بسیار قدم نمان در خانه دوست،
هرچند عزیز، عاقبت خوار شوی.

نازلیم منہ دندی: نیه غملى سن؟
هانكى نازلى يارين قايفيسيندا سان؟
ال آتديم، آينانى اليه وئرديم،
دنديم: باخ، آينادا كيمي گؤرورسن؟

آي قيز، يئر اوزونون گونشى سن، سن،
نيه عاشقينله يولا گلديرسن؟
اؤزگه گؤره للرده بو عشوه - ناز يوخ،
دورروب - اوتوردوقجا نازسان، عشوه سن.

سن اوجا بويلوسان، نازلى جانانسان،
سن شيرين دوداقسان، عشق يارادانسان.
گل، اگلش يانيمدا، بيرجه اؤپوش وئر،
صاباح غميم ايله يالقيز قالانسان.

يارا جفا ائتمه، يارسيز قالارسان،
چوخدا طاماهسينما، محتاج قالارسان.
اوزون مدت قالما دوستون ائوينده،
اول عزيز ايكن، صون خوار اولارسان.

هزارو یک خطر دارد جدایی،
نهال بی ثمر دارد جدایی.
بیا، ای دوست، که دیدارت به بینم،
که مرگ بی خبر دارد جدایی.

عزیزم، تا به کی داری جدایی،
کنی تا کی به عاشق بی وفایی؟
اگر من لایق عشقت نبودم،
نمی کردی از اول آشنایی؟!

دل، ای دل، اینقدر بدخو چرایی،
پی هرچشم و هر ابرو، چرایی؟
گهی در کنج خال لب نشینی،
گهی در رشته گیسو چرایی؟!

به گل مونی، که از گلزار آیی،
شکر مونی، که از نیزار آیی.
همیشه پیش چشمو نم عزیزی،
نچو حالا، که از بازار آیی.

آیریلیقدا مین بیر خطر گۆرونور،
آیریلیقدا آغاج باردان آرینیر.
گل، دوستوم، گل، سنله بیر گه گۆروشک،
آیریلیقدا عۆمور یترده سورونور.

عزیزیم، هاچاجان آیریلیق وار،
معشوق دا عاشقه وفاسیز اولار؟
اگر من عشقینه یاراما بیردیم،
بس نیه سن سالدین آشنالیق، ای یار؟!

گۆنول، سن ای گۆنول، نه بداصیل سن،
نیه هرقاش - گۆزون دالینجاسان سن؟
گاهدان دوداق اوسته خالا قونورسان،
گاهدان دا تئل هۆرویونده گزیرسن؟!

گوله اوخشارسان، گولوستاندان گلیرسن،
شکر میشسه، نیستاندان گلیرسن.
گۆزومون اونونده همیشه عزیز،
هامیدان چوخ، که بازاردان گلیرسن.

سر راحت نشینم، تا بیایی،
به قربونت کنم، هرچه بخوایی.
به قربونت کنم هم جون و هم مال،
به غیر از جون شیرینم چه خوایی؟

تو که خورشید اوج دلربایی،
چنین بیرحم و سنگین دل چرایی؟
به اول، اون همه مهر و محبت،
به آخر، راه و رسم بی وفایی؟

یولونون اوستونده دوررام گلیرسن،
سنه قوربان وئررم نه ایسته ییرسن.
سنه قوربان وئررم هر نه واریمدان،
شیرین جان‌دان آرتیق نه دیله ییرسن؟

سن کی دلبرلیکده گونش کیمی سن،
ندن رحم‌سیرسن، داش اورکلی سن؟
ازلده او بئله الفت، محبت،
سونوندا اونوتدون وفانی بیردن؟

مثنوی گونه ها

مثنوی گونه ها

اگر مُردم، کنین قبرم سر را،
کس و ناکس به قبر من زنه پا.
اگر مردم سه روزم ور ندارین،
به امید وفادارم گذارین.

اگر مهمان مایی ناز منما،
به هرجا من فرود آییم، فرود آ!
تو مهمانی و باز پرشکاری،
طمع داری به کبک کوهساری!

الا دختر، به جون بی برارت،
نکش سرمه، به چشمون خمارت.
نکش سرمه، که بی سرمه جوونی،
اگر سرمه کشی جون می ستونی.

مثنوی سایاقلار

من اؤلورسم، قیرم قازین یول اوسته،
قیریم اوستن مرد نامرد گلیب گنچه.
من اؤلورسم، اوچ گون منه دگمه یین،
وفالیمدان امید یولو گوزله یین.

اگر قوناغیمسان، گل ناز ائیلمه،
هریتره گئدیرسم، گلیمیرم، دئمه!
سن منه قوناقسان، شکار آلانسان،
داغدا کی کهلیگه طاماه لاناانسان؟

آی قیز، بیرجه قارداشینین جانینا،
سورمه چکمه گیلن سوز گون قاشینا.
سورمه چکمه، سورمه سیز ده جوانسان،
سورمه چکن چاغلار لاپ جان آلانسان.

از دور سیاهی می کنه چشمنت،
مانند صدف سفیدی دندونت.
یک بوسه بده از اون لب خندونت،
صدقه سرت، ذکات فرزندونت.

نمی دونم، خدا کرد، یا قضا کرد،
تو را آورد و با من آشنا کرد.
بمیره آنکه غربت را بنا کرد،
تموم عاشقان را مبتلا کرد.

دو چشمون سیاهت کافرم کرد،
مسلمون بودم و از دین درم کرد.
دو چشمونی که داری، کس نداره،
به غیر از آسمون پر ستاره.

گل سرخم به صحرا گریه می کرد،
گل زردم گریبون پاره می کرد.
گل سرخم، چرا رنگت پریده،
مگر باد خزون بر تو وزیده؟!

اوزاقدان گۈزله رین قارایا چالیر،
او اینجی دیشله رین جانیمی آلیر.
بیر اوپوش ایسته رم یادگار قالسین.
اۈزون، اوشاقلارین خیراتی اولسون.

هئچ بيلمیرم، آلاہ ائتدی، یا قضا،
سنی تاپیب، منله قیلدی آشنا.
گۈروم اۈلوب ایتسین غربتی قویان،
بوتون عاشقلری اودا یاندیران.

ایکی قارا گۈزون دینیمی آلدی،
منی دین، ایماندان آوارا سالدی.
سندہ اولان گۈزله ر هئچ کیمسه ده یوخ،
تکجه او اولدوزلو گۈیده وار آز - چوخ.

قیزیل گولوم چۈل آرا آغلاییردی،
ساری گولوم اورکلر داغلاییردی.
قیزیل گولوم، رنگین نیه قاجیبیدی،
یوخسا خزان یئلی سنه اسیبیدی؟!

چه خوش بی دست مو اشکسته می شد،
خود دسمال دلبر بسته می شد.
چه خوش بی می شدم دسمال گلدار،
که ناز بند می شدم دور سر یار.

دلم تنگه، برای دیدن یار،
برای گفتن و خندیدن یار.
دلم تنگه، از اون شبهای مهتاب،
که یارم توی جایش می کنه خواب.

گل سرخ و سفیدم، دونه هل،
چه بد کردم، که از من کنده ای دل.
چه بد کردم که از من دلگرونی،
مگر پابند عشق دیگرونی؟

گل سرخ و سفیدی دسته بستم،
میون صد جوون دل بر تو بستم.
میون صد جوون شادم نکردی،
به تکه کاغذی یادم نکردی.

نولایدی بیرجه بو الیم سینایدی،
یارین دسمالی ایله باغلانایدی.
نولایدی گوللو بیر دسمال اولایدیم،
یارین ساچلاری اوستن باغلا نایدیم.

اوره گیم داربخیر، یاری گۆرمگه،
یاری دیندیرمگه، یاری سئومگه.
اوره گیم داربخیر، آیلی گنجهر،
یاریم یاتاغیندا یاتار دینجه لر.

آغ- قیرمیزی گولوم، هل داناسیسان،
نه پیسلیک ائتمیشم، منی آنمیشان.
نه پیسلیک ائتمیشم بئله اینجیک سن،
یوخسا اؤز گه لره گۆنول وئرمیشسن؟

آغ- قیرمیزی گولدن دسته توتارام،
یوز جوان اییچینده سنه آتارام.
یوز جوان اییچینده سئویندیر منی،
بیر تکه کاغاذلا گل، دیندیر منی.

گل سرخ و سفید هر دو به دستم،
میون صد جوون دل بر تو بستم.
میون صد جوون باشی سلامت،
دعا گوی تو باشم تا قیامت.

غلط کردم، که نارنج بوی کردم،
غلط کردم، که با تو خوی کردم.
غلط کردم، که دادم آشنایی،
نترسیدم از ایام جدایی.

سه مطلب دارم، ای زیبا نگارم،
اول، در پیش پایت جان سپارم.
دوم، قبرم کنی بر روی سینه،
سوم، غسلم دهی با آب دیده.

سر راحت نشینم فال گیرم،
اگر قاصد بیاد احوال گیرم.
اگر قاصد بیاد با حال خسته،
به دستش می دهم گل دسته - دسته.

آغ - قیرمیزی گوللر واردیر الیمده،
یوز جوان ایچینده سنسن گۆنلومده،
یوز جوان ایچینده قال ساغ - سلامت،
سنه دعاچییام الی قیامت.

آنلامادیم، من نارنجی اییله دیم،
آنلامادیم، سنه عادت ائیله دیم.
آنلامادیم، سنله آشنالیق قاتدیم،
اؤزومه قورخولو هجران یاراتدیم.

اوچجه دیله گیم وار، سندن گۆزه لیم،
بیری بودور، قاباغیندا جان وئیریم.
ایکینجی سی، قییریم قاز سینهن اوسته،
اوچونجوسو، غسل وئر گۆز یاشیله.

یول اوستونده اوتوررام فال توتارام،
اثلچی گلیب چیخسا احوال توتارام.
یولدان گلن اثلچی اولسا دلخسته،
گول وئررم الینه من دسته - دسته.

بیا، بلبل بنال، تا من بنالم،
تو بهر گل بنال، من بهر یارم.
تو بهر گل بنال، سه ماه و ده روز،
منم از هجر یارم سه شب و روز.

نیومد ماه، که مهتابش ببینم،
نیومد گل، که دیدارش به بینم.
نیومد قاصد حور بهشتی،
نمی دونم، که او قهره یا آشتی.

درختی خم کنم، ناری بچینم،
جوونم، جاهلم تا کی نشینم.
جوونم، جاهلم یاری ندارم،
اگر مردم، عزاداری ندارم.

تو سیب من و سایه به باغ دگران،
تو شمع من و نور چراغ دگران.
غمگین منم و تو غم برای دگران،
بدنام منم، تو در کنار دگران.

بولبول، گل سن اینله، من ده اینله ییم،
سن اینله گول اوچون، من ده دینله ییم.
سن اینله گول اوچون اوچ آی، اون گون دوز.
من ده یار اوغروندا اوچ گنجه - گوندوز.

آییم گورونمه ییر، ایشیغین گوروم،
گولوم گورسنمه ییر یاراشغین گوروم.
بیر قاصد گلمه دی، اوملگیمدن،
بیلیمیرم باریشمیش، یا کوسموش مندن.

آغاجی ایه رم، بیر نار اوزه رم،
جوانام، جاهیلانم نجه دوزه رم.
جوانام، جاهیلانم یوخدور همدیم،
اولسم توتان اولماز ماتیم منیم.

سن منیم آلامسان، اوز گه باغیندا،
سن منیم شمعیم سن یاد چراغیندا.
من غملی یاشیرام، غم اوز گه لرین،
رسوا من اولموشام، سن اوز گه لرین.

قبا آبی، قبایت در بر من،
خودت رفتی، هوایت در سر من.
خودت رفتی، که یار تازه گیری،
سر شب تب کنی، صبحش بمیری.

برو قاصد، که شب رفتن ثوابه،
به تعجیلی برو، حالم خرابه.
به تعجیلی برو، پیش ول من،
بزن زانو، بگو درد دل من.

گلی دارم که، تو گلها غریبه،
نه نارنج و نه لیمو و نه سیبه.
گلی دارم، به دست کس نمی دم،
خریدم گوهری و پس نمی دم.

دسمال سرت هزار و یک گل داره،
خندیدن تو صدای بلبل داره،
دسمال سرت سایه به ابروت کنه،
دیوانه موره دو خالک روت کنه.

آبی دونلوم، دونون منیم اگنیمده،
اۋزون گئتدین، هاوان قالدی بئینیمده.
اۋزون گئتدین، آیری دلبر تاپاسان،
آخشام قیزدیراسان، صبح قورتاراسان.

قاصد، یوللان، گنجه گئتمک ثوابدیر،
تله سیک گئت کی، احوالیم خرابدیر.
تله سیک گئت ایستکلیمین یانینا،
دیزچوک، سویله درد دیلیمی اونا.

بیر گولوم وار، گوللرده بیر دانا دیر،
میوه لر بیر یانا، او بیر یانا دیر.
بیر گولوم وار، هئچ کسه وئرمم اونو،
بیر اینجیدیر، دالی قایتارمام اونو.

باشیندا اۋرپه گین مین بیر گولو وار،
گولمه گین بولبولون سسین آنلادار.
باشینین اۋرپه گی فاشا حمایل.
اوزده کی جوت خالا اولموشام مایل.

مگر شهر شما کاغذ گرو نه؟
مرکب یا قلم چون زعفر و نه؟
قلم گر نیس، باشد چوب فلفل،
اگر کاغذ نباشد، پرده دل.

عزیزم، عاشقی دردی گرو نه،
از اون ترسم که جونم را بوسونه.
کسی که عاشقه، از جون نترسه،
نه از کند و نه از زندون نترسه.

-الا دختر، که بابایت گدایه،
دو چشم نرگست کار کجایه؟
-چه می پرسی که بابایم گدایه،
دو چشم نرگسم کار خدایه.

به قریون سرت، هرچن که دوری،
سری بر من بزن گر می توونی،
سری بر من بزن آروم جونم،
که از بوی خوش ت آروم مونم.

یوخسا شهریزده کاغاذ تاپیلماز؟
مرکب یا قلم پولا ساتیلماز؟
قلم یوخسا، واردیر ایستوت قوواغی،
کاغاذ یوخسا، واردیر گؤنول یارپاغی.

عزیزیم، عاشقلیک یامان درد اولور،
بو یولدا انسان گاه جانیندان دویور.
عاشق اولان کیمسه جانندان قورخماسین،
نه بوخوودان، نه زنداندان قورخماسین.

- آی قیز، سنین آتان یولچو کیشیدیر،
ایکی نرگیز گؤزون هارا ایشیدیر؟
- نه سورورسان آتام یولچو کیشیدیر،
ایکی نرگیز گؤزوم آلاه ایشیدیر.

باشینا دولانیم، گرچی اوزاقسان،
منه باش وورگیلن، هرچند ایراقسان.
منه باش وورگیلن قادانی آلیم،
سنین خوش عطربندن دینجه لسین جانیم.

از اون بالا میاد چادر کتونی،
به زیر چاردش داره دکونی.
دکون رنگرزی دیکش بجوشه،
خودم رنگ می کنم، دلبر پیوشه.

رویت گله رو ماند، اگر آب دهی،
مویت زره رو ماند، اگر تاب دهی.
یک بوسه اگر بر من غمناک دهی،
گویا که هزار تشنه را آب دهی.

الهی، شاچراغ، تو شاه مایی،
به پابوست می یایم، گاهگاهی.
دو تا شمع بلور نذر تو دارم،
مراد من بده، بهرت می یارم.

یوخاریدان گلیر چادراسی کتان،
چادرانین آلتیندا واریدی دکان.
بویاقچی دکانی، قایناسین تیان،
اؤزوم بویویارام، گنيسین اوجانان.

اوزون گوله اوخشار، سو وئره بیلسن،
توکون قیزیل کیمی ساچ هؤره بیلسن.
بیر اؤپوش من زواللیا وئره رسن،
مین سوسوزا سو وئردیگین گؤره رسن.

ایلاهی، شاهچراغ، سن شاهیمیزسان،
گلله م قوللوغونا گاهدان به گاهدان.
ایکیجه شمع نذیر دئمیشم سنه،
کتیره رم سنه، مراد وئر منه.

کتاب منظومه منتشر کرده است:

بایاتلار

مجموعه‌ای از دوبیتی‌های دهه ۱۳۰۰ شمسی آذربایجان

به کوشش: م.ع. فرزانه

کجایی دوست ؟ کجا ...

نوشته : علویه بابایوا

ترجمه : م . ع . فرزانه

رمان ، در پانصد صفحه ، در قطع رقعی

رمان « کجایی دوست ، کجا ؟ » نخستین اثر از نویسنده معروف آذربایجان شوروی - علویه بابایوا - می باشد که به زبان فارسی ترجمه شده است و از معدود رمانهایی است که نه تنها در مقیاس جمهوری آذربایجان ، حتی در مقیاس اتحاد شوروی قبل از اعلام «پروستورویکا» و «گلاسنوست» نوشته شده و در آن نارواییها و نابسامانیهای موجود در روابط اجتماعی و معیارهای اخلاقی و اختلافها و ناهمگونیهای حاکم بر ملرز تفکر و عملکرد افراد جامعه با شیوه ای واقعگرایانه و شهامت آمیز مطرح شده است.

بزودی منتشر میشود :

از گنجینه فولکلور مردم آذربایجان :

۱ - لطیفه های ملانصرالدین

۲ - سؤز اینجیلری (سنجیلمیش اثرلر)

به کوشش : م . ع . فرزانه